

بهار ایران

سال پنجم - شماره ۱۸ پاییز ۱۳۷۸

فرانسه موافقت نمود که شراب سر میز آورده نشود.

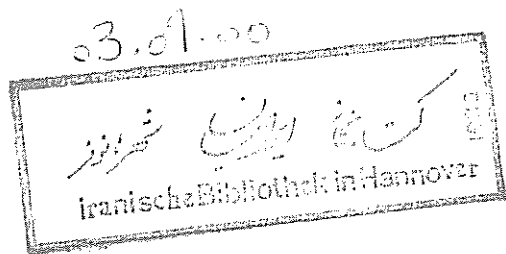




۱۶ آذر. ۱۸ تیر

روز دانشجو

گرامی باد.



بهار ایران

کانون پناهندگان ایرانی - هلند

سال پنجم - شماره ۱۸ پانیز ۱۳۷۸

فهرست مطالب و همکاران این شماره:

۲	حسین آهن سا	۱- «تیر» سرنگونی (قسمت آخر)
۴	پدرام	۲- پروژه بقا
۸	هیما	۳- نسل نو
۹	م- ح - بیوند	۴- قرارداد نفتی "داری" ۹۷ سال بعد
۱۱	افق	۵- روزهای سخت
۱۳	تنظیم از: م- ح - بیوند	۶- اظهارات و مشاهدات یک هموطن...
۱۴	خلاصه برداری	۷- از تاریخ پیاموزیم
۱۷	افسانه پروین	۸- چگونگی شکل گیری خصلت ها
۱۹		۹- شما و بهار ایران
۲۲		۱۰- گزیده‌هایی از اخبار و گزارشها
۲۶		۱۱- گزیده‌هایی از تقویم تاریخ
۲۷	طنز	۱۲- سالگرد قتل های زنجیره ای

- ۱- بهار ایران نظرات و دیدگاههای مختلف را در چهارچوب سالم سازی برخورد آراء و عقاید و ارتقاء فرهنگ دموکراتیک بین افراد و نیروها درج می نماید.
- ۲- از درج مطالبی که در ترویج فرهنگ استبدادی و وابسته و بطور مشخص مطالبی که در حمایت از رژیم حاکم بر مین و نظام سلطنتی باشد، خودداری می کنیم.
- ۳- مسئولیت هر مطلب به عهده نویسنده آن می باشد و چاپ مقالات و مطالب به معنی تأیید (یا رد) نظرات و دیدگاه های مطرح شده در آنها نیست.

« تیر سرنگونی » (قسمت آخر)

۳- آترناتیو

حسین آهرسا

حقیقت صحبت از آترناتیو است. در این حوزه، ناچار از تعریف آترناتیو به شکل عینی و مادی آن هستیم. هیچ کس به ظاهر منکر عدالت، آزادی و... نیست و هیچ کس مجادله ای برسر این مفاهیم ندارد. بنابراین طرح آترناتیوهای ذهنی مانند عدالت و آزادی مسئله ای را حل نخواهند کرد. آترناتیو را باید عیناً تعریف و معرفی نمود. چه کسی باید و می تواند عدالت و آزادی را برقرار کند؟ چه کسی باید به جای این رژیم، به جای این فرد، به جای این گروه و... باشد. تعیین فوق هویت هر مبارزه ای را مشخص خواهد کرد. اگر ما مرگ بر کسی را می گوییم، بی تردید هسوا را جایگزین آن نخواهیم کرد، هویت، در اینجا باید مشخص شود.

در خیزش تیر ماه ما با جریانی رویرو شدیم که رهبری رژیم را نشانه گرفت و باعث تکانه های شدیدی در بنیاد آن شد. درواقع خیزش تیرماه خواستن ها را به

بطور خودکار مبارزه سیاسی به گوشه ای رانده می شود که با بحث سیاسی درگیر نشود. ۵- کشمکش برسر قدرت سیاسی تنها برای خودی ها مجاز است. بقول مدیر کل اداره اطلاعات استان تهران؛ ما فقط به خودی ها اجازه مجادله بر سر قدرت را خواهیم داد.

در نتیجه فعالیت سیاسی در قالب فوق عملاً در حوزه ای خارج از قدرت سیاسی، بیرون از مبارزه پارلمانتاریستی و درون محدوده ای جریان دارد که کمتر از حداقل تعیین شده از سوی رژیم است. بدین ترتیب بحث هایی مانند آزادی، لیبرالیسم، عدالت و... همه بدون وجود استخوانبندی اصلی آن یعنی قدرت سیاسی انجام می شود و این یعنی «هیچ» (۱). تمام این بحث ها ماده می خواهند «چه کسی آزادی را...، چه کسی لیبرالیسم را...، چه کسی عدالت را...» پس آنچه در این شکل با نام فعالیت سیاسی در ایران باقی مانده است جدال برسر چیزی است که اسکلت اساسی آن یعنی قدرت سیاسی و به تبع آن آترناتیو حذف شده است که به واقع این بحث در محدوده غیرخودپیدا یعنی پاکداشتن به بیرون از خط قرمز رژیم، در خارج از محدوده تعیین شده از سوی رژیم، اولین بحث، بحث قدرت سیاسی خواهد بود که در

زمینه های فعالیت سیاسی در ایران دوگونه است اول محدوده تعیین شده از سوی رژیم و دوم خارج از این محدوده. مشخصه های زمینه اول عبارتند از: الف - این محدوده فاصله ای را شامل می شود که بین آنچه بعنوان فعالیت سیاسی در ایران در حال حاضر وجود دارد از یکسو و از سوی دیگر حداقل تعیین شده از ناحیه رژیم است. رژیم در هر شرایطی چیزی را بعنوان حداقل مجاز فعالیت سیاسی برای خود تعریف می کند. که نام آنرا خط قرمز گذاشته است. هر شخص یا گروهی با عبور از این خط قرمز پا در حوزه موجودیت و قدرت رژیم خواهد گذاشت که بی تردید برخورد حذفی رژیم را در پی خواهد داشت. چنانچه خیزش تیر ماه نشان داد، مردم بهمرهه دانشجویان از این خط عبور کردند که برخورد حذفی رژیم را بدنبال داشت و این برخورد در خیزش های آتی نیز وجود خواهد داشت. ب - در این محدوده رژیم دو طیف برای فعالیت سیاسی تعیین کرده است، خودی ها و غیرخودی ها. خودی ها آنهایی هستند که در قدرت سهیم اند و غیرخودی ها سهیمی از آن ندارند. ج - مسابقه پارلمانتاریستی در این محدوده تنها برای خودپیدا است و غیرخودی ها نصیبی از آن ندارند نتیجتاً مبارزه پارلمانتاریستی هم موضوعیت خود را از دست می دهد و

۴- شعارها

و شعارهای دانشجویان از چهارچوب قانون اساسی و شعارهای جناب خاتمی فراتر رفت (۲) صریحا مخالف شعارهای اساسی دولت و توسعه سیاسی شد (۳) و انعکاس گسترده آن موجبات نگرانی رژیم را فراهم آورد (۴). شعارها چنان مرزبندی قاطعی را با دفتر تحکیم وحدت ایجاد کرد که این دفتر زمین گیر شد، به گوشه ای خزید و تسبیح بدست بر سر اجناس بُنجل ۱۴ ماده ای خود (که آخر سر هم بیخ ریش صاحب اش ماندند) چانه زد.

سرعت چرخش شعارها طی دو روز و برون‌دگی آنها چنان بود که رژیم را سراسیمه کرد. در چنین سرعت چرخشی احتمال هر چیزی می رفت، رژیم باید عقب نشینی می کرد و کرد. زیرا هرگونه ریسکی موجودیت آن را به زیر علامت سؤال می برد. دقیقا در این نقطه بود که نقطه قوت جنبش و نقطه ضعف رژیم آشکار شد که می توان از تجربیات آن برای حرکت‌های بعدی استفاده نمود.

شیوه برخورد سازمان اطلاعات رژیم در این چند ساله نشان داده است که عمدتین تاکتیک برخورد آن با هر حرکتی ۱- کاهش سرعت ۲- نفوذ در آن و ۳- هدایت آن به سمتی است که بتوان با جنبش برآحتی مقابله نمود. این تاکتیک در مواجهه کارگران صنعت نفت با عوامل رژیم، برآحتی کارساز شد. مزدوران رژیم با فریفتن کارگران، به نام مذاکره، بتدریج آنها را به

نتوان تردیدی داشت. زیبایی که نه در کنج خلوت شاعر، که در پراتیک ترین لحظات مبارزه برای کسب قدرت سیاسی خلق شده اند.

تقدس واقعی عارفانه کردن مبارزه نیست، تقدس آن نیست که مبارزه را از مادی ترین جلوه های آن بیرون بکشیم و در گوشه های خیال پردازی کودکانه محبوس اش کنیم. تلاش برای زندگی بهتر، تلاش برای آزادی، استقلال و هر آنچه که بتوان از آن برای بقای تعالی بشر استفاده کرد، مستلزم داشتن ابزارهایی است که باید آن ابزارها را تعریف کرد و بدست آورد. تا کی می خواهیم واژه ها را جوری تعریف کنیم که از توصیف و تشریح یک گام جلوتر نروند. تاکی مانند (برخی) شاعرانمان هزاران بیت در وصف حالات شمع بسرائیم و حال آنکه اگر یک دهم این شعرها، بررسی علمی و کاربردی روشنایی بود، مطمئنا سالهای قبل از ادیسون، برق را اختراع کرده بودیم.

پس آموزگاران مکتبی! بیایید گامی پیش فرا نهم، اگر تعریف واقعی مبارزه سیاسی و منزهایی که در این مبارزه باید از آن عبور کرد با حالات روحی شما نمی خواند عیب در نامقدس بودن این مبارزه نیست، عیب در کم خونی شماست!

عینه تعیین کرد. در اینجا بگونه ای جهت مبارزه مردم تعیین شد و مبارزه به فاز بالاتری هدایت گردید. از سوی دیگر خیزشی که به خارج از محدوده رژیم وارد شده بود، با بحران هویت روبرو شد. در خارج از محدوده حتما باید آلترناتیو معرفی شود که خیزش فوق فاقد تعریف مادی آلترناتیو بود. این امر دلایل بسیاری دارد که یکی از آنها بی تردید بخاطر جوان بودن خیزش است. شکوفه های این جنبش قطعا میوه های آلترناتیو را هم به بار خواهد آورد در آن زمان شکل و هویت مشخص مبارزه با محتوای قدرت سیاسی درهم آمیخت و قدرت پوشالی رژیم را به زانو در خواهد آورد.

در اینجا بی ربط نیست صحبتی هم با آموزگاران مکتبی مبارزه داشته باشیم. وقتی از نقش کسب قدرت در مبارزه سیاسی صحبت میمان می آید این آموزگاران به صدا در می آیند که؛ بیایید این مبارزه مقدس را با عنصر قدرت آلوده نسازیم. در جزوات درسی آموزگاران فوق، تعریف مبارزه سیاسی بیشتر به فیلمی می ماند که هنرپیشگان آن مبارزانی هستند که رسالت آنها تنها ایفای هر چه بهتر نقش اشان است. به زعم ایشان مبارزه سیاسی تا جایی مقدس است که در پی چیزی نباشد. تلاش کند، بیا پرداخت نماید و چیزی بدست نیآورد! گویا مبارزه شهری است که در آن، اوج عشق، نه در رسیدن عاشق به معشوق، که در دوست داشتن معشوق است!

از دهه ۵۰ میلادی به این سو و پیش از آن، مبارزات سیاسی ناب ترین لحظات فداکاری را آفریده اند. شکوه نبرد الجزایر، کویا، ویتنام، نیکاراگوئه، ایران، چین،... برای آزادی، مبارزه سیاسی را در نقطه ای از اوج نشانده، که در عظمت و زیبایی آن

«پروژه بقا»

پیکر اول

طرح، نفس مطرح کردن آن به معنی این است که آخوندها با ارزیابی موقعیت خودشان در داخل و خارج کشور به این نتیجه رسیده اند که دیگر برای آنها امکان چندانی برای بقا وجود ندارد و ناچار باید نقبی از چاههای جنوب به بانکهای سویس بزنند. حال که پای نفت هم به «پروژه بقا» می‌رسد باز شده است، باید آن را اعتراف عملی رژیم به عدم امکان کنترل بحران به حساب آورد. دیگر جمهوری اسلامی خود هم باور ندارد که بتواند از این بحران جان سالم بدر برد.

در اینجا نظری خواهیم داشت به پروژه بقای رژیم و نهادهایی که عامل اجرایی این پروژه اند؛

۱- آستان قدس رضوی

این نهاد که اکنون دندانهای خود را برای گرفتن چاههای نفت تیز می‌کند، در ظاهر وظیفه تولید آستان قدس رضوی (حرم امام رضا) را بر عهده دارد. کلیه زمینهای موقوفی آستان خراسان در اختیار این نهاد است که از قبیل دریافت اجاره بپای زمین ها، درآمد سرشاری را سالانه عاید خود می‌کند. واحدهای تجاری و مسکونی این نهاد ها مانند مغازه ها، پاساژها، ساختمانهای اداری - تجاری و مجتمع های مسکونی که با استفاده از قدرت آستان قدس ساخته میشوند، تماما بر قیمت روز به فروش می‌رسند. دیگر واحدهای آستان قدس رضوی عبارتند از؛

- کارخانه نساجی رضوی؛

تولیدات؛ بیسکویت، کیک، کلوچه و امثال

داده اول؛ همه سردمداران رژیم در تمامی سطوح خیر از بحران می‌دهند. روزنامه جمهوری اسلامی می‌نویسد؛ «رویارویی جناحها و فعالان سیاسی به نقطه خطرناکی رسیده است... که برای مهار کردن آن هرچه زودتر باید دست به کار شد. چاره کار اقدامهای عملی جدی و فوری است» و نتیجه گیری می‌کند که «... سخن برسر این نیست که در پایان این منازعات نهاد روحانیت از قدرت کنار می‌رود... واقعیت این است که مردم فهمیده اند دعوا برسر این مفاهیم نیست بلکه برسر قدرت است.» مهدوی کنی از دیدار خود با خامنه ای می‌گوید؛ «اول سؤا نشان این بود که شما آیا از اوضاعی که در مملکت واقع شده با توجه به دشمنان داخلی و خارجی نگرانی دارید یا نه؟» و آخوندها سرشان را به علامت تایید جنبانده اند. و باز روزنامه جمهوری اسلامی در شماره دیگری خبر از یک بحران نهایی می‌دهد؛ «... به نظر می‌رسد که ما لامحاله با یک بحران نهایی روبرو خواهیم شد که برآیند بحرانهای سابق است...».

داده دوم؛ روزنامه جمهوری اسلامی

به نقل از وزیر معادن و فلزات می‌نویسد؛ «در چند ماه گذشته فرار سرمایه به خارج از کشور از جمله توسط برخی از متدینین یک واقعیت تاسفبار متوالی ایران بوده است.»

نتیجه گیری؛

رژیم طرحی را ارائه کرده است که در آن خبر از واگذاری چاههای نفت به آستان قدس رضوی می‌دهد. جدای از سرنوشت این

از سالها پیش رژیم جمهوری اسلامی، با تاسیس ارگانهایی به ظاهر عام المنفعه، که بطور مستقیم زیر نظر آخوندها اداره می‌شدند پروژه غارت و چپاولی را آغاز کرد که ما نام آنرا «پروژه بقا» می‌گذاریم.

موضوع این پروژه، انتقال تدریجی منابع اقتصادی کشور به این ارگانها به منظور ایجاد حاشیه امنیت در موجودیت رژیم بود. استارت این طرح با ایجاد نهادهای موازی دولت زده شد، نهادهایی که ظاهری خیره داشتند و از لحاظ قانونی جوابگوی هیچ ارگانی نبودند. قوانین مصوبه مجلس نیز، این نهادها را از دادن مالیات، عوارض و دیگر وجوه قانونی معاف کرد تا خیال آنها را از هر گونه حسابرسی آسوده کرده باشد. سرپرستی آنها نیز مستقیما زیر نظر نماینده و محافظ منافع آخوندها یعنی ولایت فقیه^(۱) قرار گرفت.

روند انتقال منابع، بنا به مقتضای شرایط، شدت و ضعف داشته است. هرگاه رژیم در خود احساس امنیت بیشتری کرده، سرعت انتقال را کاهش و در مواقعی که خود را در تزلزل دیده، بر سرعت انتقال افزوده است. به عبارتی دیگر، با نظری به کمیت و کیفیت واگذاری ذخایر اقتصادی کشور، در هر مرحله، می‌توان میزان ثبات رژیم را ارزیابی نمود و بطور خلاصه حجم واگذاریها با عدم ثبات رژیم نسبت مستقیم داشته است.

در شرایط حاضر ما با دو داده و یک نتیجه گیری روبرو هستیم؛

تهران واقع می باشد. اضافه بر آن، خود نیز آن به سنگ ازنا معروف و جزو سنگهای با ساخت و ساز واحدهای تجاری و صادراتی محسوب می شود. علاوه بر این

رژیم طرحی را ارائه کرده است که در آن خبر از واگذاری چاههای نفت به آستان قدس رضوی می دهد. جدای از سرنوشت این طرح، نفس مطرح کردن آن به معنی این است که آخوندها با ارزیابی موقعیت خودشان در داخل و خارج کشور به این نتیجه رسیده اند که دیگر برای آنها امکان چندانی برای بقا وجود ندارد و ناچار باید نقبی از چاههای جنوب به بانکهای سوئیس بزنند.

ها، این بنیاد دارای چند کارخانه سنگ بری و یک فروشگاه بزرگ سنگ در خیابان شریعتی تهران است.

۵- کمیته امداد آسام؛ در ظاهر فعالیتهای عام المنفعه و عملا کارهای تجاری و تولیدی دارد. صندوق های خیرات و صدقات در سطح ایران متعلق به این کمیته اند. معادن سنگ تراورتن آتشکده (ترسیده به شهرستان محلات)، معادن سنگ تراورتن حاجی آباد (شهرستان محلات) و کارخانه سنگ بری واقع در محلات، غیر از کارخانه های دیگر از متعلقات این کمیته اند.

۶- سازمان تبلیغات اسلامی؛ دارای فروشگاههای بسیار زیاد کتاب (مانند فروشگاه میدان فلسطین تهران) و ساختمانهای تجاری (مانند ساختمان تجاری میدان ۲۵ شهرپور تهران) بوده، در شرکتهای مختلفی سرمایه گذاری کرده است (مانند شرکت باریت)

۷- حوزه علمیه قم؛ تحت عنوان مرکز آموزشی و پرورشی حوزه علمیه قم، دارای فعالیتهای تجاری است (مانند خرید و فروش معدن در شهرستان الیگودرز لرستان)

۸- سپاه پاسداران؛ فعالیتهای تولیدی و تجاری خود را عمدتاً توسط

مسکونی، آنها را به فروش می رساند. شرکت هواپیمایی بن ایر (bon air)، با در اختیار داشتن چند هواپیمای مسافری و نیز شرکت مسافرتی پرسپولیس واقع در خیابان ویلای تهران به این نهاد تعلق دارند. فعالیتهای مختلف معدنی تحت عنوان شرکتهای سهامی خاص در شهرستان های گوناگون، داشتن سالن، ورزشگاه و تیم های ورزشی، کارخانه ها، شرکت ها و سرمایه گذاریهای متنوع، از دیگر فعالیتهای این بنیاد به شمار می روند.

۴- بنیاد شهید؛ از نخستین بنیادهایی است که با تشکیل شرکتی به نام شاهد پروژه بقا را استارت نمود. این شرکت در سال های ۶۵-۶۳ از بزرگترین واردکننده های قاچاق سیگار وینستون بود. گذشته از فعالیتهای تجاری این بنیاد (مانند داروخانه ها^(۲) و فروشگاه های زنجیره ای شاهد)، معادن بنیاد شهید جزو بزرگترین معادن سنگ ایران محسوب می گردد.

معادن سنگ مرمر گوهره (خرم آباد)؛ این معادن در جنوب غربی خرم آباد واقعند که سنگ های آن به خارج از کشور نیز صادر می شود.

معادن سنگ چینی دریشان (ازنا)؛ واقع در حدفاصل شهرستان ازنا و دورود، سنگ

آن. این کارخانه دارای فروشگاه بزرگی در خیابان ولی عصر بالاتر از میدان ونک تهران است و شعبات آن در تهران و در سطح ایران کار فروش تولیدات کارخانه را انجام می دهند.

چاپخانه و انتشارات آستان قدس؛ با استفاده از امکان واردات کاغذ با ارز دولتی و دیگر تسهیلات گمرکی، کار چاپ و انتشار کتاب را عهده دار است. علاوه بر شعب فروش کتاب در شهرهای مختلف، بزرگترین فروشگاه کتاب مقابل دانشگاه تهران به همین نام متعلق به این انتشارات است

۱- روزنامه قدس؛ دارای تیراژ کمی است و از ارگانهای تبلیغاتی جناح سرکوب رژیم محسوب می شود. علاوه بر اینها، سرمایه گذاریهای خرد و کلان آستان قدس در استان خراسان به نحوی است که بقول خراسانی ها، در این استان معامله ای انجام نمی شود مگر آنکه قسمتی از آن، به نحوی به جیب آستان قدس برود.

۲- بنیاد ۱۵ خرداد؛

در ظاهر برای کارهای عام المنفعه و مثلاً رسیدگی به مستمندان تاسیس شده است که فعالیتهای تجاری و تولیدی دارد. نمونه؛ معادن و کارخانه سنگ بری گناباد.

۳- بنیاد مستضعفان و جانبازان؛

این بنیاد که معرف حضور همه است، کارتل غارت آخوندها محسوب می شود و به تنهایی درصد عمده ای از منابع اقتصادی کشور را در اختیار دارد. در این چند ساله بنیاد فوق با تاسیس شرکتی اقدام به برگزاری مزایده و فروش واحدهای تجاری و مسکونی غصبی که تحت عنوان مصادره به زور از مردم گرفته شده است نموده که دفتر این شرکت در میدان ونک

این نهادها، در واقع نهادهای حقوقی غارت و چپاول اند. نهادهای حقیقی یعنی اشخاص وابسته به رژیم نیز با تشکیل شرکتهایی توانسته اند با استفاده از امکانات و اختیارات حکومتی، سرمایه هنگفتی را به جیب خود سرازیر کنند. (مانند عوامل رفسنجانی در کیش و کرمان، عوامل کلاهوزها در قشم، عوامل عسکراولادی در بازار، رفیق دوست ها در صادرات و واردات و...)

استفاده از امکانات دولتی مانند گرفتن وام، گرفتن پروژه ها توسط عوامل خودی، امکان اطلاعاتی مانند شرکت در مناقصه ها و مزایده ها با داشتن اطلاع از قیمت های پایه و قیمت های پیشنهادی، اطلاع از تصمیم هایی که روی قیمت تاثیر گزارند. (مانند قیمت ارز) استفاده از ارز دولتی که امکان رقابت در واردات را به صفر می رساند، عدم پرداخت مالیات و عوارض دولتی و تسهیلات جانبی دیگر، باعث شده اند شرکت های خصوصی، عملاً امکان رقابت با این نهادها را نداشته باشند و تنها سوپر استفاده های کلان و سومدیریت در این نهادها، فضای رقابتی برای شرکتهای خصوصی باز گذاشته است. نیز، با توجه به اینکه هیچ گونه حسابرسی از ناحیه دولت در ارگانهای مزبور صورت نمی گیرد، بیملان فعالیتهای اراده شده از سوی آنان تماماً غیرواقعی و ساختگی است. در واقع آخوندها با این کار توانسته اند تراستی نامرعی بوجود آورند که امکان هرگونه نفوذی در آن سلب شده باشد.

پایان سخن؛ آنچه در ایران غارت شده در جریان است، تراژدی غم انگیز چپاول عظیمی است که سرمایه های انسانی و مالی این کشور را به نابودی کشانده است. روزنامه جمهوری اسلامی مورخه ۱۳ مهر

در سیستم تصویری آن است). نام صنایع از صنایع موشکی (ارتش) گرفته شده است. ضمن اینکه ارگانها و نهادهای وابسته به آخوندها در صنایعی مانند؛ تولید کمپوت و رب، سرامیک، فرش، معدن و سایر زمینه ها، علاوه بر شهرستانهای بزرگ، در شهرستانهایی مانند آذرشهر، نقده، قره، هرسین، تویسرکان، سمیرم، نسی ریز، سرجان، نهبندان کیش، قشم، چاه بهار و نیز در صنایع حمل و نقل دریایی سرمایه گذاری های عمده ای دارند. نمونه هایی که گفته شد تنها با استفاده از حافظه و باطبع درصد بسیار کوچکی از این پروژه عظیم غارت و چپاول در ایران، و گذشته از نهادهای دیگر مانند بنیاد مسکن، ستاد اجرایی فرمان حضرت امام، سازمان اقتصاد اسلامی، سازمان اوقاف و امور خیریه، ستاد برگزاری دعای کمیل، ستاد برگزاری نماز جمعه، صندوق های قرض الحسنه، مساجد (که اکنون دورتادور مساجد را مغازه می سازند)، بنیادهای متلاخیریه (الزهر، المهدی، الهادی، علوی و...) و امثالهم است که هر یک به نوبه خود سهمی در به یغما بردن ذخایر کشور دارند.

درآمد کلیه این نهادها، که درصد عمده اقتصاد کشور را در اختیار دارند، به هیچ عنوان به صورت سازمان یافته و براساس طرح های اقتصادی وارد جریان اقتصادی کشور نمی شود. یعنی، خیلی راحت، عمده اقتصاد کشور، خارج از جریان اقتصادی کنترل و هدایت می شود و آنچه که از آن به نام اقتصاد ایران یاد می شود، در واقع هیچکدام از هیکل مردنی و ضعیف درصد کوچکی از اقتصاد است که قطعاً توان اداره نه تنها ایران که هیچ کشور کوچکتر از ایران را هم ندارد.

شرکتهای تحت پوشش انجام می دهد. نمونه هایی از آن عبارتند از؛

الف؛ صنایع خودروسازی فتح؛

ساختمان اصلی شرکت در جاده کرج واقع است. کار کپی سازی از خودرو لندکروز توپوتا را انجام می دهد و شرکتهایی مانند موشسه توسعه موتورهای گازسوز واقع در خیابان شیخ بهایی تهران تحت پوشش آنند.

ب- صنایع آب؛ نمونه؛ کار لوله

کشی آب از سد ۱۵ خرداد شهرستان دلیجان به قم، که طرح عظیمی از آب در آسد و به جز هزینه چیز دیگری دربر نداشت (بقول قمی ها اگر برای ما آب نداشت، برای حضرات نان که داشت.)

ج- راه سازی؛ نمونه؛ جاده شهرکرد

به ایزد

د - سد سازی؛ نمونه؛ سد عظیم ۱۵

خرداد شهرستان دلیجان و سدهای ۱ و ۲ کارون تحت عنوان کارون ۱ و کارون ۲ (که اخیراً کارون ۲ به سبب نداشتن سد انحرافی چند صد میلیون تومان دستگاه سنگین و سبک را زیر گل ولای برد)

ه- فعالیت در معادن آتشکده تحت

پوشش شرکتی در شهرستان محلات

و- صنایع موشکی؛ که گذشته از

فعالیت در صنایع موشکی و ادوات جنگی و نیز تولید باتوم، کار کپی سازی از نمونه اجناس خارجی را هم انجام می دهد.

ز- واردات و صادرات؛ این

فعالیت عمدتاً در وزارت خانه سپاه انجام می گیرد.

۹- ارتش؛

تحت عنوان شرکت صنایع، کار مونتاژ وسایل صوتی، تصویری و لوازم خانگی را بعهده دارد (تلویزیون صنایع در واقع مونتاژ تلویزیون سامسونگ کره با تغییراتی جزئی

درخاتمه یاد و خاطره شهدای
خیزش تیرماه را گرامی
می داریم، خیزشی که تجربیات
آن چراغ راه آینده مبارزات
خواهد بود.***

پانویس ها؛

- ۱- این سخن تنها به گونه ای کالبد شکافی مبارزه سیاسی در دو محدوده عنوان شده در مقاله است و این بمنزله نفی ارزش های فعالیت بی وقفه کسانی نیست که صادقانه در مسیر جنبش مردمی به فعالیتهای آگاهی بخش مشغولند.
- ۲- اشاره به سخنان نوری زاده در رادیو آمریکا ۱۹ تیر
- ۳- اشاره به پیام شورای عالی امنیت ملی
- ۴- اشاره به سخنان جلالی از دفتر تحکیم وحدت
- ۵- سر میهماندار هواپیما که در سعادت آباد تهران با شلیک گلوله به شقیقه اش در پشت اتومبیل، توسط عوامل اطلاعات به قتل رسید.
- ۶- طرح این روال را باید صرفاً به عنوان حرکت در مسیر حل مشکل سازماندهی در داخل ایران تلقی نمود و مقاله به هیچ وجه به دنبال ارائه هیچ گونه استراتژی مبارزه نیست. مبارزه با رژیم در تکامل خود حتماً اشکال مشخص خود را هم پیدا خواهد نمود چنانکه تا کنون شکل هایی از آن را به خود گرفته است.

بقیه "تیرسنگونی..." از صفحه ۳
درون نمازخانه وزارت نفت هدایت کردند و با ضرب و شتم به دستگیری آنان پرداختند. در جریان کلی نویسندگان، اطلاعات رژیم با استفاده از افرادی مانند فاطمه قائم مقامی (۵) توانست تعدادی از نویسندگان را به سمتی هدایت کند که بتواند براحتی آنان را کنترل نماید.

در سرعت های زیاد، رژیم عاجز از هرگونه عکس العملی است. هرچقدر سرعت چرخش ها و اتخاذ تاکتیک های جدید بیش تر باشد، همانقدر احتمال موفقیت بیش تر خواهد بود. باید در هر مرحله کاری کرد که رژیم وادار شود از خود عکس العمل نشان دهد. طرح شعارهای برنده حرکت جدیدی بود که رژیم را غافلگیر کرد و در صورتی که خیزش می توانست در ادامه، تاکتیکهای برنده و تازه تری اتخاذ کند، بی تردید مزدوران را به جایی می کشاند که ناچار از برخورد شتابزده شوند که در این صورت بتوان هدایت جریان را در دست گرفت. در قسمت «۲- تشکیلات» این مقاله آوردیم که «بعنوان یک روال پیشنهادی باید از شکل های عمومی استفاده کرده، شکل های خاص را پیدا نمود». این روال درواقع تلفیقی از حرکت در محدوده تعیین شده از ناحیه رژیم (شکل های عمومی) و حرکت در خارج از محدوده (شکل های خاص) است. که سرعت جابجایی در این دو محدوده بی شک رژیم را فلج خواهد نمود(۶).

می نویسند: «اگر بخواهیم رقم بیکاری در کشور را فقط کنترل نماییم باید رشد اقتصادی حدود ۲ درصد باشد در حالی که در حال حاضر زیر ۲ درصد است...». رقم سرسام آور بیکاری (حدود ۳۰ درصد)، رشد اقتصادی زیر ۲ درصد، درجهانی که رشد اقتصادی بالای ۹ درصد وجود دارد، در کشوری که چیزی حدود ۳۰ میلیارد دلار (به گفته خود رژیم) وام گرفته است، و با داشتن منابع غنی نفت و گاز و معدن، آیا جز سومدیریت و پروژه بزرگ غارت و چپاول، نشاندهنده چیز دیگری است؟.

زیرنویس ها؛

- ۱- هیماهوپی که برسر تعریف ولایت فقیه براه انداخته اند درحقیقت دعوا برسر هیچ است. چراکه ولایت فقیه تعریفی جز این ندارد؛ نماینده و حافظ منافع طبقه آخوند
- ۲- علیرغم شعروشعارهای رژیم در مورد اینکه شهدای ما همین جنوب شهری ها هستند، ۴ شعبه از ۵ شعبه داروخانه های بنیاد شهید در محله های مرفه نشین تهران قرار دارند که نمایانگر اهداف صرفاً سودجویانه بنیاد شهید از تاسیس چنین داروخانه هایی است.

در مورد مطالب ارسالی و

نامه ها

- ۱- حتی الامکان همراه با ترجمه ها، نسخه ای از متن اصلی ارسال نمایید.
- ۲- مشخص نمایید مطلب و یا نامه تان با چه نامی در نشریه درج شود.

نسل نو

همه

همه دیکتاتوری های مذهبی با سوء استفاده از اعتماد مردم به حکومت می رسند و در لوای مذهب به هر فریب کاری و جنایتی دست می زنند.

در این مسیر طولانی نسل جوان در تبعید ما در یک جامعه غریب و با آداب و رسوم تازه بزرگ میشود که وظایف سنگینی را به عهده والدین می گذارد تا در چنین جامعه ای ارزشهای خود را بتوانند به نسل جدید انتقال بدهند تا این حرکت هدف دار ادامه یابد.

اگر پدر و مادر ها از یک هدف مشخص و پیگیر در زندگی شان برخوردار باشند می توانند به فرزندان خود نیز آموزش دهند که تحت تاثیر جاذبه های فرهنگی این جوامع قرار نگیرند. نکته ای که در اینجا لازم به تاکید است، نقش آگاهی و هدف داری در فطرت انسانی است. آگاهی بطور کیفی محتوای زندگی انسان را عوض خواهد کرد. بدین منظور که قبل از انجام هر کاری واقف باشیم که با چه هدفی این عمل را انجام می دهیم و پیامدها و تاثیرات آن بر خود و محیط پیرامونمان چیست و در نهایت با شناخت کامل تصمیم به انجام آن بگیریم، و اگر در این مسیر بدلیل عدم تجربه کافی و یا دلایل دیگر با اشکالات و ضعف هایی مواجه شدیم، بتوانیم مصممانه و هدف دار درجهت رشد، با آن برخورد لازم را بنماییم و با کیفیت بالاتر راه را به سرمنزل مقصود ادامه دهیم.

در اینجا صحبت از محدود کردن فرزندان در چهارچوبه های عقیدتی خودمان نیست بلکه فرزندان ما باید رسالت

دیدگاههای چنین جامعه ای بزرگ شده ایم. در این میان، افرادی تصمیم گرفته اند که شاه و یا آخوند صفتی را در مقایسه با ارزشهای مترقی تر در خود به نقد و بررسی بگذارند و جایگزین آن معیارها و چهارچوبه های هدف داری را بکنند که البته برای تحقق چنین هدفی نیاز به دقت و تلاش مداوم است.

اکثر ایرانیان با هدف آزادگی از فضای اختناق موجود در ایران گریخته و یا مجبور به ترک آن شده اند. به بیان دیگر ما

در اینجا صحبت از محدود کردن فرزندانمان در چهارچوبه های عقیدتی خودمان نیست بلکه فرزندان ما باید رسالت انسان بودن را بشناسند و در مراحل مختلف برای رسیدن به این رسالت راههای لازم را دریابند و در احقاق آن تلاش لازم را بنمایند. اگر فرزندان ما از گرایشات و جاذبه های فردی و جامعه آگاه باشند، با کسب شناخت صحیح راه برخورد و سمت و سودادن به این جاذبه ها را نیز در خواهند یافت.

ایرانیان خواهان تغییر اساسی در ساختار سیاسی - فرهنگی و اجتماعی ایران دیکتاتور زده هستیم که اکنون در زیر لوای مذهب از هرگونه تجاوز به حقوق انسانی عبایی ندارند، و در این میان هر کس بر اساس اعتقاد و تواناییهای خود راهی ویژه را برای تقابله با این دیکتاتوری مذهبی برگزیده است.

به همین دلیل پروسه نابودی این حاکمیت مانند هر حکومت دیکتاتوری مذهبی دیگر طولانی تر شده و ادامه این مسیر نیاز به صبر بیشتر و تلاش همه جانبه تر دارد و این نکته بر کسی پوشیده نیست که

موضوعی که ذهن خیلی از ایرانیان خارج از کشور را گرفته است، تعلیم و تربیت فرزندانمان در محیط پر جاذبه غرب است. این نگرانی که جوانان ما در این جامعه از فرهنگ و اصالت خودمان فاصله میگیرند، در خیلی از موارد تنش هایی در محیط خانوادگی بوجود آورده و در مواردی نیز فاصله ای عمیق در روابط بین والدین و فرزندان ایجاد نموده است که ریشه آن در اکثر موارد به تزلزل های برخورد و تصمیم گیری والدین باز می گردد.

آنچه که بخش عظیمی از ساختار شخصیتی یک انسان را میسازد برخوردهای اجتماعی - فرهنگی اوست. این برخوردها از زمان کودکی در خانواده شروع می شود و سپس در محیط بیرون از خانواده، مهد کودک، مدرسه و محیط کار و یا روابط اجتماعی دیگر از جمله دوستان و رسانه های گروهی ادامه می یابد. که هر کدام از آنها به نوعی تاثیر بسزا در شکل گیری شخصیت انسان میگذارند.

ما نیز در یک جامعه دیکتاتوری، چه دوران سلطنت شاهان و چه در حکومت دیکتاتوری مذهبی آوندها، با فرهنگها و

قرارداد نفتی «داریسی» ۹۷ سال بعد

م-ج-پپینو شک

تا شل و از شل تا... منعقد میشود. این قراردادها البته از فرآورده های تنش زدایی جناح مدره!! رژیم به حساب می آید.

۲۵ آبان رسانه ها اعلام کردند رژیم تهران و شرکت هلندی - انگلیسی «رویال داچ شل» قراردادی به مبلغ ۸۰۰ میلیون دلار بستند. این قرارداد با اغماضهای پنهانی جناح تهدیدگرا و تحریم‌گرای امریکا و لیبخندهای علنی و وابسته گرای جناح مدره ولایت فقیه به امضا رسید. «در قراردادی که روز یکشنبه میان «شل» و شرکت ملی نفت ایران به امضا رسید توسعه میدانهای نفتی سروش و نوروز در خلیج فارس در نزدیکی خارک پیش بینی شده است». (رادپو رژیم ۲۵ آبان). این قرارداد از نوع «بای بک» و یا بیع متقابل است که براساس آن محصولات آن به خود شرکت شل فروخته خواهد شد. ذخایر این دو حوزه تا ۵۰۰ میلیون بشکه در روز تخمین زده میشود.

مذاکرات «رویال داچ شل» و شرکت ملی نفت ایران سالهاست ادامه دارد و شاید از دوره قرارداد این کنسرسیوم برای اکتشاف در دریای خزر مرحله جدی ورود به خلیج فارس در میدان عمل برداشته شد. بنا بگزارش رسانه ها از جمله رویتر در دسامبر ۱۹۹۸ کنسرسیوم هلندی - انگلیسی شل و یک شرکت دیگر انگلیسی بنام «لاسو» قراردادی به مبلغ ۱۹۰۸ میلیون دلار با شرکت نفت ایران منعقد کردند که در آبهای خزر به اکتشاف ذخایر بپردازد.

مینویسد؛ بعد از ۲۰ سال این نخستین بار است که کمپانی انگلیسی چنین فرصت طلایی بدست می آورد. روزنامه خرداد ۲۴ آبان نیز در همین رابطه نوشت؛ «انگلیسیها امروزه در بازار ایران روی خط شانس هستند و در امور مختلف قراردادهای پی در پی امضا می کنند».

قراردادهای نفتی در حافظه تاریخی ملت ایران اغلب خصلت وطن فروشانه داشته است و متأسفانه مردم ایران از زمانهای قدیم شاهد حراج دارایی خود بوده است. به همین دلیل هیچ کدام از این قراردادها در شرایط عادی و فضای متعارف حقوقی - سیاسی منعقد نگردیده است که حاصلی هم در جهت رفاه مردم داشته باشد. در سال ۱۲۸۱ شمسی در زمان ناصرالدین شاه قاجار قراردادی بغایت ضد ملی بین شرکت نفت ایران و انگلیس بسته شد که طی آن حق انحصاری کشف، استخراج و صادرات نفت به مدت ۶۰ سال به انگلیس واگذار می شد که به قرارداد نفتی «داریسی» معروف است. اکنون نیز در زمان سلطنت ولایت فقیه و پادشاهی محمدخاتمی قراردادی از توتال

یکی از اصولهای بنیادین رژیمهای توتالیتر، سود و قدرت پرستی است این عوارض در هر حکومتی که ولو با آثار کم اجتماعی نمایان شود همخوانی با توتالیترسم را به نمایش می گذارد. آثار و عواقب چنین صفات ضد مردمی در کشورهایی که خصلت امپریالیستی و استعماری دارند معمولاً نمود بیرونی بیشتر به چشم می خورد و نمود درونی آن کمتر و یا از نظرها پنهان است. چون از ویژگی بارز استعمار تحقیر و غارت منابع کشورهای دیگر به بهای دموکراسی و رفاه نسبی در درون خود است. اما عارضه چنین پدیده شومی در کشورهایی که بویژه سابقه استعماری توسط حکومتهایشان دنبال شده است بیشتر در نمود درونی منعکس است و خلقهای آن جامعه را در نهایت فقر و بدبختی نشان می دهد. نمود اجتماعی این عارضه استعمارگرایی نیز در سرکوب، قتل و غارت، شکنجه و زندان خلاصه میشود که رژیم ضد خلقی حاکم بر وطن نمونه بارز چنین حاکمیت شوم و ضد مردمی است.

در شرایط کنونی بخشی از این کشورها برای حفظ قدرت استعماری و جلب سود بیشتر درصدد عقد قراردادهای وطن فروشانه با رژیم ملایان هستند رژیمی که در ضعیفترین قدرت اقتصادی، سیاسی و اجتماعیست و بنا بر داده های واقعی از درون جامعه در آستانه فروپاشی و سرنگونی ناگزیر است. بی دلیل نیست که منابع رژیم بعد از عقد قرارداد ننگین شل به منافع سرشار آن به نفع پیر استعمار اذعان می کنند. روزنامه جمهوری اسلامی ۲۶ آبان

رسانه ها ۲۶ آبان اذعان کردند که کمپانی «شل» از قرارداد ۸۰۰ میلیون دلاریش بیش از ۶۰۰ میلیون دلار سود خواهد برد. روزنامه جمهوری اسلامی در همین تاریخ اعلام کرد؛ طبق قرارداد، کمپانی «شل» بابت سرمایه گذاری خود ۲۰۵ میلیون دلار سود بانکی دریافت می کند و ۴۵۰ میلیون دلار نیز حق پیمانکاری خواهد گرفت. این دو رقم کلان نیز با تحویل نفت خام تولیدی به قیمت روز، محاسبه و بازپرداخت خواهد شد.

رژیم جمهوری اسلامی ایران نفس این قراردادهای خانمانه را که از دارسی تا توتال و از توتال تا شل واز شل تا... ادامه می یابد با تبلیغات رسانه ای خود به رخ امریکا می کشد و بدون اینکه درصدد توضیح جزئیات این قراردادها برای ملت باشد با فروش بیشرمانه و خانمانه هستی مردم ایران، مشغول بازی عوامفریبانه بین اروپا و امریکا با لبخندهای خاتمی است. قدرت استعماری امریکا با تهدید و تحریم این لبخندها را پاسخ داده و مشغول بازی قدرت برای کسب سود حداکثر است و اتحادیه اروپا با محمل گفتگوی انتقادی. البته هر دو در شرایط فعلی در چهارچوب «گفتگوی تمدن‌ها» بی‌فرمایشی ملیجک جدید دربار ولایت این خط مشی را پیش می‌برند. رادیو رژیم ۲۶ آبان به نقل از روزنامه تایمز چاپ لندن می‌گوید. «از نظر مقامات ایرانی قرارداد نفتی این کشور با شرکت شل میخ دیگری بر تابوت تحریم تجاری واشنگتن علیه تهران تلقی می‌شود» و در همان تاریخ رادیو رژیم به نقل از فاینانشال تایمز گفت؛ «به گفته بسیاری از تحلیلگران در تهران این قرارداد پیروزی بزرگی برای دولت ایران در تلاشهایش برای جلب سرمایه خارجی در بخش انرژی و

مقابله با تحریمهای امریکایی به حساب می‌آید». در افشای ماهیت عوامفریب و دردغیرداز رژیم همین بس که شرکت شل همان است که در منحرف ساختن مسیر منطقی و اقتصادی عبور لوله گاز ترکمنستان از خاک ایران، با امریکا همگامی نشان داد و بخش دیگری از منافع درازمدت ملت را به جیب دیگران ریخت.

قابل توجه است که رسانه های انگلیسی و فرانسوی نیز در مسابقه کلاهبرداری استعماری از هم پیشی می‌گیرند و از زمان قرارداد توتال، آهنگ این مسابقه نیز شتابان شده است. می‌خواهند از تضادهای سرمایه داران امپریالیستی بویژه بلحاظ جغرافیایی نهایت استفاده را کرده و منافع خود را مادیت بخشند. رژیم نیز از دامن زدن به تضادهای سرمایه داری امریکا و اتحادیه اروپا در شعارهای رسانه ای پرهیز نمیکند؛ «این قرارداد ناقض قانون امریکایی داماتوست که برای تحریم سرمایه گذارهای بالاتر از ۲۰ میلیون دلار در صنایع نفت ایران تصویب شده است» (رادیو رژیم به نقل از فیکارو چاپ فرانسه)

استعمار نو با شیوه های استثماری مدرن! و با اتکا به امپراطوری رسانه ای وابسته به خود بطور آشکار مشغول توجیه و مشروع جلوه دادن عملکردهای ضد خلقی خود در راستای مکیدن خون ملت‌های ضعیف نگه داشته شده همچون ایران ما می باشد. کشور ما دارای ابعاد عظیم ذخایر نفت و گاز و سایر منابع متنوع زیرزمینی است که متأسفانه توسط رژیم خائن

ملایان به بوگزارکننده مسابقه غارت دارایی ملی تبدیل شده است. «علاوه بر نفت، این قرارداد استفاده از گاز موجود در این حوزه های نفتی را هم مدنظر قرار داده است» (رادیو رژیم به نقل از روزنامه اقتصادی لاتیویون ۲۶ آبان). از حدود دوسال پیش دولت تنش زدای رژیم جمهوری اسلامی ایران از طریق سمینارهایی در لندن و تهران زمینه بستن چنین قراردادها را فراهم نمود. به موازات چنین پیشرفت! خیانت بار، مجلس رژیم نیز در ۲۴ آبان با تصویب ماده ۳۴ برنامه سوم دولت خاتمی عملیات مربوط به اکتشاف، استخراج و پالایش نفت را برای بخش خصوصی امکان پذیر ساخت و ۴۷ سال پس از خلع ید از شرکت نفت انگلیس، حق حاکمیت مردم بر ذخایر نفت کشور را عملاً نفی کرد. بدین ترتیب تجزیه شرکت ملی نفت ایران در چهارچوب تنش زدایی و گفتگوی تمدن‌های توجه جدید دربار ولایت با کاغذ کادوی سیاه و استعمار پسند، وارد تاریخ حراج دارایی ملت گردید و خواسته مهم شرکتهای استعماری در بهره برداری نامحدود از حوزه های نفت و گاز میسر شد.

اکنون بدرستی چنین به نظر می رسد که همه دردمندان مُلک و ملت در راستای تنها راه چاره رهایی ملت از چنگال ارتجاع و استعمار یعنی سرنگونی قهرآمیز ملی تمامی تنه و شاخ ویرگهای پوسیده این رژیم ضد ملی، صفا را فشرده تر کرده و با تکیه بر قدرت بیکران توده ها و فرزندان و جوانان از جان گذشته آنان، هم آوا شویم که؛

در راه آزادی و ماندن دارایی ملت در دست خود ملت لحظه ای آرام نشینیم.***

روزهای سخت

افق

مادری در حالیکه اشک میریخت میگفت: بچه من چهارده سال بیشتر ندارد او مریض بود که شما او را از خانه بردید. گلویش چرک داشت و از تب میسوخت. حد اقل بگذارید من او را ببینم که خیالم راحت شود. به خدا از شبی که او را برده اید من نخواییده ام.

نشان داد و گفت: ببینید این بچه سه سال بیشتر ندارد و از روزی که شما پدرش را گرفته اید مریض شده است. از بس گریه می کند همه را کلافه کرده است. مادرش هم نه ماهه حامله است. این مرد سه بچه قد و نیم قد دارد و بزودی چهارمی هم بدنیا می آید. ما نان بیار دیگری نداریم. پسر مرا همه به درستکاری و با ایمانی می شناسند. او همیشه از خوبی الگوی فامیل و دوستان و آشنایان بوده است. از نظر دینداری هم آدمی مومن و خدا شناس است. تا حالا آزارش حتی به مورچه هم نرسیده است. حالا چرا شما به او می گوید منافق؟ من نمی فهمم! اگر به من رحم نمی کنید به این طفل معصوم رحم کنید. من به او قول داده ام اگر گریه نکند امروز پدرش را ببیند. طوطیان گفت: گفتم نمی شود. دست من نیست. من نمیتوانم به شما ملاقات بدهم. آن مادر گفت اگر به من ملاقات نمیدهی اشکالی ندارد برای خدا به این بچه رحم کن و او را با خودت ببر پدرش را ببیند. طوطیان در زندان رامحکم به هم زد و رفت.

ببیند. قطرات اشک از آسمان غمزه دیدگانش روی گونه های گلگونش، غلطان غلطان به چانه اش می رسید و روی پیراهنش فرو می ریخت. مادر بزرگ که دیگر نا امید شده بود دست او را گرفته و از آنجا دور می شدند. اما او کودک همچنان نگاهش به طرف زندان و در جستجوی راهی برای دیدن پدر بود.

چند هفته بعد وقتی برای آخرین بار به در زندان رفتم وضعیت روحی خا نواده ها غیر قابل توصیف بود. جو کاملاً عوض شده بود. به دلیل اعدام های بی رویه خانواده ها وضع روحی بسیار بدی داشتند. رعب و وحشت عجیبی ایجاد کرده بودند. ترس از شنیدن خبر اعدام همه را فرا گرفته بود. هر بار که در زندان باز می شد همه نا خودآگاه از جا بلند می شدند و سعی می کردند زود تر خودشان را به نزدیکی در برسانند تا ببینند چه خبر تازه ای میتوانند بگیرند. کمتر کسی جرات میکرد با دیگران حرف بزند. با هر کسی که آدم حرف میزد دیگران سعی میکردند حشدار بدهند که شاید بریده، خود فروخته و یا خائن باشد. بی اعتمادی عجیبی حکم فرما بود.

مردی میانسال با قامتی افراشته و قیافه ای خسته و افسرده در حال اصرار و التماس با طوطیان برای دیدن فرزندش بود. هر چه اصرار کرد که ملاقات بگیرد به او گفت نه

شهریور ماه سال هزارو سیصد و شصت، حدود ساعت هشت صبح بود که به زندان اصفهان واقع در دستگرد، در جاده اصفهان- ذوب آهن رسیدم. هوا دم کرده و گرم بود. صد ها تن از خانواده های دستگیر شدگان درانتظار گرفتن خبر از عزیزان خود بودند. اکثر خانواده ها مات و میهوت بودند که به چه گناهی فرد یا افراد خانواده آنها دستگیر شده اند؟ دیوارهای بلند زندان، خستگی، گرد و خاک، گرمای هوا، چهره های افسرده و چشمان در انتظار خانواده ها هر بیننده ای را متاثر میکرد.

عاقبت پس از ساعتها انتظار سر و کله «طوطیان» سرباسدار زندان اصفهان پیدا شد. همه خانواده ها به طرف او دویدند تا خبری از زندانی خود بگیرند.

مادرهای بیچاره به دست و پای او افتاده بودند و قریان صدقه اش میرفتند تا شاید دلش به رحم آید و به آنها اجازه ملاقات دهد.

مادری در حالیکه اشک میریخت میگفت: بچه من چهارده سال بیشتر ندارد او مریض بود که شما او را از خانه بردید. گلویش چرک داشت و از تب میسوخت. حد اقل بگذارید من او را ببینم که خیالم راحت شود. به خدا از شبی که او را برده اید من نخواییده ام.

مادر میانسالی در حالیکه دست دخترکی را گرفته بود به طوطیان میگفت: "جوان قریان قد تو بروم. اجازه بده من پسرم را ببینم" طوطیان گفت نمی شود او ممنوع الملاقات است. مادر دختر بچه را به «طوطیان» و «مبلغ» و دیگر پاسدارها

دخترک که تا آن لحظه ملتسانه چشم در چشم طوطیان دوخته بود و به حرفهای او و مادر بزرگش گوش میداد، با بسته شدن در زندان چشمان گردش را حاله ای از غم فرا گرفت. سرش را بلند کرد و در حالیکه سعی میکرد تمامی بلندی دیوار زندان را

به دلیل اعدام های بی رویه خانواده ها وضع روحی بسیار بدی داشتند. رعب و وحشت عجیبی ایجاد کرده بودند. ترس از شنیدن خبر اعدام همه را فرا گرفته بود. هر بار که در زندان باز می شد همه نا خودآگاه از جا بلند می شدند و سعی می کردند زود تر خودشان را به نزدیکی در بوسانند تا ببینند چه خبر تازه ای میتوانند بگیرند. کمتر کسی جرات میکرد با دیگران حرف بزند. با هر کسی که آدم حرف میزد دیگران سعی میکردند هشدار بدهند که شاید بریده، خود فروخته و یا خائن باشد. بی اعتمادی عجیبی حکم فرما بود.

وقتی بچه ام اینجاست، من هم همین جا هستم.

در این حین در بزرگ زندان باز شد. ماشین شورت کرم رنگی از آن خارج شد. سه نفر از بچه ها را دیدم که در آن ماشین لبخند بر لب، نگاهی عمیق و پر از حرفهای نا گفته به اطراف انداخته بودند. در بین آنها یکنفر را خوب می شناختم. او «مصطفی مهاجری» بود. او هم مرا شناخت. (یادم می آید هر وقت مصطفی برای پخش نشریه مجاهد می رفت، تا همه اش را پخش نمیکرد باز نمی گشت، و بارها پیش آمده بود که سر چهار راهی پاسدار ها زده بودند سر او را شکسته بودند، ولی او با همان سر شکسته به چهار راه دیگری رفته بود و بقیه را در آنجا پخش کرده بود). نگاهمان در هم گره خورد گویا از من می پرسید میدانی مرا به کجا میبرند؟ با اینکه هجده سال از آن روز میگذرد ولی من هرگز آن چهره های معصوم را در لحظه های قبل از شهادت از یاد نبرده ام.

که چهارمین دخترش بدینا آمد، اعدام کردند. گفتم آخر به چه گناهی؟ گفت: گویا او فقط نشریه مجاهد میخوانده است. ولی چون میان اهمل محل و فسامیلش به دستکاری معروف بوده، از تاثیرش روی دیگران می ترسیدند. او را به نا حق کشتند تا خیالشان راحت باشد که کسی وجود ندارد که افشایشان کند. ولی غافلند که حتما روزی سزای این جنایاتشان را خواهند دید.

آروز تا حوالی غروب آنجا بودم. با آنکه به اکثر خانواده ها وعده داده بودند، ملاقات ندادند ولی مادران همچنان آنجا نشسته بودند. گویا منتظر معجزه ای بودند که راهی بگشاید و آن قلعه بلند را ویران سازد و جگر گوشه های آنها به آغویشان باز گردند. از مادری پرسیدم شما منتظر رفتن ملاقات هستید؟ او گفت: نه. بچه من ممنوع الملاقات است. گفتم: چون دیدم اینجا نشسته اید پرسیدم. گفت: اینجا نشسته ام چون هوايش به هوای نفس فرزندم نزدیکتر است. من هر روز اینجا می آیم. تا

امروز نمیشود برو پس فردا بیا. آن پدر بیچاره گفت: آخر من از شهر کرد می آیم. راهم خیلی دور است بگذار امروز پسر را ببینم. طوطیان و دیگر پاسدارها گفتند: نمیشود. برو. وقت ما را بیشتر از این نگیر. آن پدر بیچاره، به آرامی و در حالیکه سرش را کاملاً خم کرده بود تا کسی صورتش را نبیند، و از غم درونش آگاه نشود، سعی می کرد از زندان دور شود ولی پاهایش گویا قدرت حرکت کردن نداشتند. هر چند قدمی که بر می داشت، بر می گشت و نگاهی به در زندان و پاسدارها می کرد. گویا در این اندیشه بود که شاید یکی از آنها ذره ای از جوهر انسانیت در وجودش باشد و دلش به رحم آید و به او اجازه دیدار فرزندش را بدهد. حالت و رفتار آن پدر طوری بود که همه نگاه ها به سمتش جذب شده بود. گویا در آن لحظه او سمبل درد مشترک همه بود.

خانمی که در کنار من ایستاده بود گفت: بیچاره پیر مرد. نمی دانند پسرش را دیشب پاسدارها در حمام خفه کرده اند و به زندانیان گفته اند او خود کشی کرده است. او پدر «نجف بنی مهدی» است. نمیدانم چرا به او نمی گویند که پسرش را کشته اند؟ حتما می ترسند اینجا سر و صدا راه بیندازد و همه با او همراه شوند و آن وقت نتوانند مردم را کنترل کنند.

دوست دیگری گفت: آن دختر بچه را دیدی که آنروز برای دیدن پدرش گریه میکرد؟ گفتم آره چی شد؟ پدرش را دیدی؟ در حالیکه اشک در چشمان او حلقه زد گفت: نه. پدرش را هفته قبل، درست شبی

اظهارات و مشاهدات یک هموطن از خیزش دانشجویان و مردم

تبریز در تیر ماه ۱۳۷۸

تنظیم از: م-ح - پیوند

جوانان دسته دسته بصورت تیم ها و هسته های سازمان یافته یکمترتبه ظاهر شده و مراکز دولتی و ارگانهای سرکوب را آتش زده و یا تخریب می کردند و بلافاصله متفرق می شدند.

یک دسته از همین جوانان جلو ماشین من را که همراه با چند نفر در حال حرکت بودیم، گرفتند. آنها مسلح به میله های آهنی و چوب و سنگ و امثال آن بودند. به ما گفتند: ما می خواهیم این رژیم را براندازیم و سرنگون کنیم. پرسیدیم: ما چه کاری میتوانیم بکنیم؟ ما می خواهیم برویم خانه مان که جلو ما را گرفته اید. جوانان پاسخ دادند: با شما کار دیگری نداریم. فقط می خواستیم بدانیم شما هم با سرنگونی موافقید یا نه؟ جواب دادیم البته موافقیم. جوانها گفتند: بفرمائید و براهتان ادامه دهید.

با شنیدن این واقعه گفتیم: پس رژیم براحتی این جوانها را دستگیر می کند. این هموطن جواب داد: به هیچ وجه، به جز تعدادی، همه را نمیتوانند بگیرند. چون آنها در سطح خیابان ها و بصورت جمعی حالت راهپیمایی نداشتند. بلکه یکباره دسته جمعی ظاهر شده و به مراکزی از رژیم حمله می کردند. ستاد بسیج شهر را همینطوری به آتش کشیدند. حتی جلو خود ما را هم ناگهان بصورت دسته جمعی گرفتند. ما فکر می کردیم ماجرا تمام شده است و دیگر کسی نیست ولی یکمترتبه ظاهر شده و کارشان را می کردند. جنایت تبریز غیر قابل وصف است. بواقع تبریز مظلوم واقع شد و حوادث آنجا آنطور که باید انعکاس بین المللی نداشت. رژیم تمام انرژی خود را بکار بست تا شعله آتش را خاموش کند. چون داشت سرعت گسترش پیدا می کرد.

شب هنگام خوابگاه دختران دانشجو را می بنهند و همه را بیرون می کنند. آخر در عرف ما در این وقت شب آنهم آوارده شدن دختران غیر بومی و پراکنده کردن آنها در شهر غیر قابل تحمل است ولی عوامل رژیم این کار را کردند.

باز مردم به هر ترتیب که شده آنها را به خانه هایشان می برند تا شب را در آرامش بسر برند. همین مردم آتشی را که روشن شده نخواهند گذاشت خاموش شود. آتش خشم مردم بازهم و به نحو دیگری شعله ور خواهد شد و این را دهان به دهان، همه می گویند

ولی ایندفعه... ***

دانشجویان در تحصن بودند. یک طلبه بسیجی شروع به ناسزاگویی و به روایتی کتک کاری یک دختر دانشجو می کند. فتیله دینامیت خشم فروخورده جوانان آتش می گیرد و نمودی از انفجار خشم خلق بوقوع می پیوندد. صدای رگبار کلوله های جنایتکاران چون باران تند در سطح دانشگاه و اطراف، عمق فاجعه را به نمایش می گذارد. همه جا صحبت از ۲۹ بهمن دیگری در تبریز است (سال ۱۳۵۶). به سرعت شعله خشم دامن شهر را فرا می گیرد. انگار از قبل همه چیز آماده شده. با پیوستن مردم بویژه جوانان به دانشجویان، خیزش عظیمی رخ می دهد. با سرازیر شدن جوانان به سطح شهر، سرکوبگران بهر طریق ممکن وارد معرکه می شوند. نیروهای فوق العاده زیادی را وارد می کنند. بیداست در طول تحصن سرکوبگران، به تعداد زیاد وارد شهر شده و در آماده باش برای جنایاتشان هستند. مثل ۲۹ بهمن سال ۱۳۵۶ چهره نیروهای سرکوبگر اغلب ناشناخته بود.

مردم در اوج همکاری، درهایشان بسوی جوانان باز بود و موقع خطر با آغوش باز تظاهرکنندگان را در خانه ها پناه می دادند. خیانت و جنایت سرکوبگران بیداد می کرد.

دانشجویی برای پیدا کردن دوستش راهی بیمارستان میشود. باخبر شده بود که وی در بیمارستان است. همزمان با رسیدن او، سرکوبگران به بیمارستان حمله می کنند. همه ملاقات کنندگان جوانان زخمی، بهرآه زخمیها با سرم و... دستگیر و راهی بازداشتگاه های سپاه و اطلاعات می شوند. پاسداران و بسیجی ها جنایات شرم آوری را مرتکب می شوند: دستگیر شدگان زخمی و سالم زیر انواع کتک ها و فحش ها مورد بازجویی قرار می گیرند. به همه هشدار داده میشود که می خواستید مثلاً ۲۹ بهمن دیگری برپا کنید؟ ولی آن تجربه را فراموش نکرده ایم. پس از بازجویی های همراه با شکنجه و کرفتن ضمانت های محکم، قرار می شود عده ای را آزاد کنند. آنها را بدون کفش و پیراهن در نقطه ای از شهر از ماشین های سپاه و اطلاعات پیاده کرده و رهایشان می سازند. می گویند حداقل ده نفر به شهادت رسیده اند.

«از تاریخ بیاموزیم»

جوامع انسانی طی روند تکاملی خود، فراز و نشیبهای مختلفی را از سر گذرانده اند. در این رهگذر، جریانهای شکل گرفته و رخدادهایی به وقوع پیوسته که دقت روی آنها می تواند تحارب گرانهایی به ارمغان آورد. بدون شک اشتراک عمل و اتلاف نیروها، آزادی و توسعه اجتماعی، بنیادی ترین نیازهای مقطع کنونی حیات اجتماعی ما را تشکیل می دهند. در راستای پاسخگویی به این نیازها می کوشیم در هر شماره با گزینش فرازی از تاریخ ایران بنا جهان، مشغلی فسو را در تلاش عمومی و مشترکمان بیا فروریم.

گزینش مطالب از کتابهای مختلف در اینجا، نقطه از جنبه آموزش تاریخی آن مورد نظر بوده و به معنی تأیید همه آنها نیست.

اشاره:

در این شماره پنجمین قسمت از کتاب «تاریخ قرن هیجدهم، انقلاب کبیر فرانسه و امپراطوری ناپلئون» از نظرتان می گذرد. این کتاب تالیف آلبرماله - ژول ایزاک و ترجمه رشید قاسمی است.

صفات عامه قرن هیجدهم جامعه فرانسه

تابعه پادشاه مقدمات انقلاب ۱۷۸۹ را فراهم می ساخت.

اوضاع اجتماعی فرانسه

وضع دهقانان

اکثر ملت فرانسه قریب هفت هشتم اهالی در خارج شهر می زیستند، راجع به وضع زندگانی سکنه و دهات و مزارع فرانسه در قرن هیجدهم نمی توان نظر جامع و دقیقی اظهار داشت زیرا که جهت جامعه که بنوان انتزاع کلیت از آن نمود در بین نبود، در هر ناحیه قسمی و در هر بلوک طوری بود. [...]

مالیاتهای مختلف و صرافان - این صنف در پاریس اهمیت خاصی یافت.

اگر چه در خارج اوضاع اجتماعی به هیچوجه تغییری نکرد معذالک طرز فکر مردم تبدیل و تحول عمیقی یافت. حکما و علمای اقتصاد مثل مونتسکیو، ولتر، روسو و مولفین دایره المعارف از قبیل دالامبر و دیدرو مفاهیم جدید آزادی و عدم تعصب دینی و مساوات را منتشر ساخته و اصولا عیوب و نقایص حکومت مطلقه را اثبات نمودند و وقایع و اعمال حکومت مزبور هم موید نظر فلاسفه بود. آثار این نویسندگان و افعال ادارات

جامعه فرانسه در قرن هیجدهم با قرن هفدهم تفاوتی نداشت و به سه طبقه تقسیم می شد: دو طبقه ممتاز یعنی روحانیون و نجیسا و یکی غیر ممتاز یعنی رعایا و سنگینی بار بالتمام بر این طبقه سوم وارد میشد. در عهد لوی پانزدهم به هیچوجه تغییری در این طبقه بندی رخ نداد فقط باید گفت که بعد از مساعی لاس در اصلاح امور مالیه صنف جدیدی در پاریس روی کار آمد که آنان را ارباب مالیات یا مستوفیان باید نامید و این صنف تشکیل می شد از تحصیلداران بزرگ مالیات غیر مستقیم و مستاجرین جزء و کل

با نجبا وصلت میکردند طرف بغض و کینه عامه قرار گرفته بودند.[...]

عمال بزرگ مالیه

مامورین مالیه که عده آنها روز به روز زیاد می شد در میان خود مراتبی داشتند. بالاتر از همه مستوفیان بزرگ یا (وزرا) بودند و مادون آنان مستوفیان و دلالان کل و دلالان جزء و تحصیلداران و پیشکاران و امناء بودند که جمعا در تمام فرانسه عده آنها به سیصد هزار نفر بالغ می شد. مستوفیان درج اول را کاردینال دوفلوری «ستونهای ملک» لقب داده بود مردم آنان را غارتگران ملک می خواندند.

صنعت در اروپا

حجاران و نقاشان و بطور کلی تمام صنعتگران و هنرمندان فرانسوی قرن هیجدهم نه فقط در فرانسه معروف بوند بلکه صیت هنرمندی آنها در تمام اروپا منتشر بود. پادشاهان اروپا خاصه فردریک دوم و کاترین ثانی بیش از همه طالب و مشتری آثار آنها بودند. کاملترین مجموعه آثار واتر و لانکره و استادان خرد در شهر پوتسدام است. سلاطین سعی می کردند که بعضی از استادان فرانسوی را بخدمت خود آورند. در واقع نفوذ صنایع فرانسه سرتاسر اروپا را گرفت و تاریخ قرون وسطی از این حیث تکرار یافت زیرا که در آن دوره هم در زمانی که سبک معروف باژیوال در فرانسه بکمال رسید اشعه ذوق و هنر فرانسوی در اطراف و اکناف اروپا انتشار یافت و تمدن فرانسه در قرن هیجدهم هادی ملل دیگر شد چنانکه یکی از حجاران فرانسوی که در آلمان بکار مشغول بود در این تاریخ می نویسد که «پاریس امروز همان مقام را دارد که یونان در زمان ترقی صنایع خود داشت، اکنون فرانسه به تمام عالم صنعتگر و استاد می دهد.»

نویسندگان

در قرن هیجدهم دو طبقه جدید مقامی ارجمند در هیات جامعه حائز شدند یکی نویسندگان و دیگر مستوفیان. طبقات مختلفه و اصناف متباینه اهالی که جهت جامعه نداشتند از حیث اشتراک در مسایل ادبی کم کم به هم نزدیک شدند مردمان گوناگون از هر حرفه و پیشه و هر طبقه و مرزی با یکدیگر رابطه یافتند مثل درباریان و نجبا و عمال دولت و ارباب سیف و قلم و مستوفیان و توانگران (بورژوا) و فلاسفه و علمای اقتصاد و دانشمندان و صنعتگران و غیره بطوری که از مجموع آنها یک طبقه مخصوصی بنام منورین یا متفکرین پیدا شد که احترام فضل و هنر تا اندازه ای حدود امتیازات طبقاتی سابق را محسوس و زایل نمود. در میان این جمع ادبا و متفکران درجه اولی مهمترین مقام را حایز شدند. تفاوت میان نویسندگان قرن هفدهم و قرن هیجدهم آنکه آنان بیشتر در پی زینت الفاظ و تعبیرات لطیفه ادبی بودند و اینان قوای خویش را مصروف بحث در مسایل عمومی و مابیه الابتلائی جمہور خلسق میکردند و در مطالبی قلمفرسایی می نمودند که افکار عامه را به هیجان آورد.

متصدیان امور مالی

نفوذ علمای ثروت و اقتصاد هم کمتر از ادبا و فلاسفه نبود بلکه افکار آنان تازه تر از گفتار حکما بنظر می آمد. متصدیان امور مالی در عهد لوی چهاردهم نیز بسیار بودند که بعنوان دلالی یا اجاره و استجاره منابع عایدات مملکت دست در کار بودند و بسا فروش مشاغل و مقامات دولتی یا معاملات در مالیاتیهای غیر مستقیم ثروت هنگفتی فراهم می آوردند و چون این طبقه پست تدریجا بعلت تمول وارد طبقات عالییه شده و

خانه های دهات مثل قرون وسطی در اطراف کلیساهای کوچکی دایره وار ساخته شده و قبرستانی آنها احاطه می کرد و دیوار آنها از چینه و گل بنا می شد. لکن استثنائا در بعضی نقاط عمارات سنگی هم بنظر میرسید. در این ابنیه در و پنجره کمتر می ساختند و اگر مخرجی باز می کردند دری محکم و بی منفذ بر آن نصب می نمودند. شیشه مرسوم نبود و جزو اشیای تجملی منزل توانگران محسوب میگردد.

زراعت

معذالک بعد از ۱۷۶۰ وضع دهقانان رو به بهبودی نهاد، جمعیت فرانسه که از اوایل قرن هیجدهم رو بافزایش داشت در ظرف سی سال (۱۷۶۰-۱۷۸۹) از هفده به بیست و پنج میلیون رسید. قیمت غلات تغییر کرد و نرخ ترقی نمود، مردم به زراعت مایل شدند.[...] از طرف دیگر دهقانان از مالیات جدید ترسیدند و چندان احتمالی در بهبودی زراعت خود نداشتند زیرا که تا اولیای دولت می شنیدند که فلان ناحیه قدری از صعوبت خارج شده و فراخی یافته است فوراً مالیاتی جدید وضع میکردند. دارژن سون حکایت می کند که «یکی از مامورین مالیه به دهی که خانه بیبلاقی من آنجاست آمد و اظهار داشت که باید بر مالیات این ده افزود زیرا که دهقانان فریه در آن دیده و در مدخل بعضی خانها پر مرغ مشاهده کرده است.»[...] لوی شانزدهم چون در سال ۱۷۷۶ مقرر داشت که هر قدر از اراضی لم یزرع و باتلاقی شیار شود تا ۱۵ سال از پرداخت مالیات معاف خواهند بود، رعایای ایالات فقیر بیش از دوستان هزار هکتار زمین را قابل زراعت کردند.

فقط انگلستان دارای صنعتگران و نقاشان مبتکر و مستقل بود.

فن موسیقی

در تاریخ موسیقی قرن هیجدهم از قرون بسیار مهم محسوب می شود. چنانکه در باب نقاشی و حجاری فرانسه اولین مقام را حایز بود. در موسیقی آلمان صاحب مقام ارجمند است زیرا که در این عهد پنج نفر از استادان معروف موسیقی در آلمان ظهور کرده اند. هندل، باخ، گلوک، هیندن، موزار.

علوم

حرکت قوی علمی که در قرن هفدهم شروع شد به همان کیفیت در قرن هیجدهم نیز دوام داشت. بطور عموم می توان گفت که علمای این دوره در یک رشته تخصص نداشتند و هنوز تقسیمات و تشخیصات امروزه در مواضع علوم وارد نگردیده بود. جمیع علوم را شعب و فروع یک علم کلی میدانستند و آن را حکمت می گفتند، اغلب اشخاص که در آن دوره معروف به فلسفه و حکمت بودند از جمله علما به معنی اخص محسوب می گشتند. مثلاً دالامیر ریاضیدان و مهندس طبیعی بود، ولتر که وسیله نشر اقوال و عقاید نیوتون انگلیسی در میان فرانسویان شد خود در علم فیزیک کار میکرد و لابراتواری داشت که در آنجا شخصاً بتجربه و امتحان مسایل فیزیکی مشغول بود. مطالب علمی و تجربیات فیزیکی در این زمان مرسوم و متداول نبود و غالب اشخاص همانطور که اطاق نقاشی مخصوصی برای خود ترتیب میدادند اطاق امتحانات فیزیکی نیز می ساختند. نوسان هم به این آزمایشها اشتغال می ورزیدند، ولتر به اتفاق مارکیزدوشاتله مدتی در باب طبیعت آتش تجربیات نمود. در این قرن هم مثل قرن سابق علما بنا بر هوس شخصی و محض اشتغال

خاطر بکارهای علمی مشغول می شدند. لاوازیه که موجد علم شیمی جدید محسوب می شود خود از ارکان مالیه مملکت و صاحب تیولات بود. این علما کسی را تعلیم نمی دادند و وسیله ای برای نشر معلومات خود جز رسایل و کتب نداشتند. دول هم روز به روز بیشتر به ترقی علوم مایل می شدند.

شیمی

بنای اساس علم شیمی جدید لاوازیه فرانسوی (۱۷۴۳-۱۷۹۴) بود. در زمان او و قبل از او علمای شیمی بسیار بظهور آمدند که چند قسم املاح و اسیدهای منفرد کشف کردند از جمله پریستلی انگلیسی (۱۷۳۳-۱۸۰۴) اکسیژن را تحصیل نمود و شیل سویدی (۱۷۴۲-۱۷۸۶) کلور را کشف کرد که در همان ایام برای سفید کردن منسوجات بکار رفت. اما هیچیک از علما طریقه عمومی کشف نکرده بود که اکتشافات علمی بر طبق آن انجام گیرد. لاوازیه افتخار کشف قواعد اساسی این طریقه علمی را

لاوازیه



یافت. مبنای تحقیقات لاوازیه قضیه ذیل است که « اگر چه ماده را می توان صورتاً

تغییر داد لکن هیچوقت وزنا قابل تغییر نیست.»

اختصاصات ادبیات فرانسه در قرن ۱۸ نفوذ صنعتی فرانسه در قرن هیجدهم هر قدر در اروپا زیاد بود تاثیر ادبیات آن بر مراتب بیشتر واقع شد. پاریس در قرن هیجدهم بمنزله مغز اروپا محسوب میگردد و زبان فرانسه تقریباً جنبه بین المللی یافت. یکی از شعرای ایتالیا در ۱۷۵۸ گوید: "زبان فرانسه وسیله ارتباط افراد ملل است زیرا که هر جا برویم فرانسه میخوانند و فرایسه مینویسند." آثار نویسندگان قرن هیجدهم تفاوت اساسی با تالیفات نویسندگان قرن هفدهم دارد. ادبیات قرن هفدهم جنبه معرفت الروحی داشت. (...)

ادبا نظری و اعتنایی به صنعت نداشتند و ادب را از حیث ادب نمیخواستند بلکه آنرا وسیله ابراز عقاید سیاسی میدانستند و انسان را با تعلقات او بجامعه و روابط او با مملکت مورد مطالعه قرار میدادند و بحث خود را بیشتر متوجه تشکیلات و تنظیمات کشور میساختند. جمیع عقاید سیاسی را که میراث گذشتگان بود و مثل وحی منزل مطاع و متبع بشمار میآمد یکسان یکسان تجزیه و تحلیل کردند و بنظر انتقاد ببادی آن عقاید نگریسته صحیح را از سقیم و زشت را از زیبا جدا کردند و بجای اصول منسوخه سیاسی اصولی جدید پیشنهاد کردند که اساس تشکیلات تازه و عمومی شود.

مبادی اصول جدید

از اواخر قرن هفدهم مردم با این اصول ضد آزادی اظهار مخالفت میکردند. بواسطه فقر عمومی ملت فرانسه در اواخر عهد لوی چهاردهم و بعلت نهضت ملت انگلیس در عهد سلاطین اخیر استوارت خاصه در زمان جاک دوم فرانسویان چشم از خواب گران

چگونگی شکل گیری خصلت ها

افسانه پروین

بارندگی و آفتاب و خاک مساعد مربوط می باشد. درختانی که در شرایط کاملاً مساعد قرار میگیرند، به مراتب از نظر رشد و نمو و میزان محصول از درختان مشابه، که دارای شرایط رشد مناسب نبوده اند، بهتر و بارور تر خواهند بود.

هر انسانی دارای بیست و سه جفت " کروموزوم" هست که عوامل اصلی ژن ها هستند. هر جفت از این کروموزوم ها تعیین کننده خصلتی ژنتیک در فرد می باشند که بعنوان مثال مشخص کننده رنگ مو، رنگ پوست و امثال آن می باشند.

آنچه مسلم است خواهر و برادر میتوانند مقداری از ژنهای مشابه پدر و مادر خود را به ارث ببرند و همچنین خاله و عمه و دایی و عمو در زمره دارندگان ژن های مشابه با فرد میباشند.

اگر ژنها محیط مناسبی برای رشد داشته باشند میتوانند توسعه بهتری پیدا کنند. زیرا با تغییر محیط افراد از یک محیط کوچک به محیطی بزرگتر، به مرور زمان و گاهی طی چند نسل ژنها توسعه بیشتری می یابند. تاثیر محیط همچنان که در جنبه های فیزیکی قابل مشاهده است در زمینه رشد کار آیی مغز و استعداد های گوناگون نیز به نحو بارزی محسوس می باشد.

همین عوامل، به مرور زمان و در طول زندگی، رشد و توسعه بیشتری یافته و در تکوین جنبه های شخصیت ما تاثیر خواهند گذاشت. در نتیجه هر کدام از ما عادات و رفتار فردی گوناگون داریم، که بعضی از آنها خیلی فعال تر. برخی از آنها جالب توجه تر. و پاره ای از جنبه اجتماعی بیشتری برخوردار می باشند.

آنها فرد را شکل می دهد و از او شخصیتی قابل تعریف می سازد. بعنوان مثال می گوئیم: یکی احساساتی است. یکی عصبی است، و دیگری فردی است متفکر، و این ها بارز میکنند که فرد دارای چه ویژگی هایی می باشد.

هر کدام از ما به میزان متفاوتی از خلق و خوی خوب و بد را به خود میگیریم، و برداشت همه ما از تمام پیرامونمان

یکسان نیست. که این خود می

تواند یکی از عوامل

گونه گونی رفتارمان باشد.

یک سلول ساده پس از سالیان دراز، با میلیون ها تغییر، تبدیل به نوع انسان گردیده است. انسانی که عوامل تعیین کننده خصوصیات او را ژنها تشکیل میدهند. انسانی که در زمینه های مختلف اجتماعی رشد می کند. مغز که ابتدا قسمتی از این سلول ساده بسوده آنچنان تکوین می یابد که مانند یک کامپیوتر و به مراتب پیچیده تر از آن به کار می پردازد. همچنین سیستم عصبی و سایر ارگان های حساس و پیچیده به وجود آمده اند.

پیوسته در مورد تحول انسان، این سوال مطرح است که چه مقدار از جنبه های فردی شخصیت مربوط به ویژگی های ژنتیک میشود و چه مقدار بستگی به تجربیاتی که کسب میکند دارد؟ در بیان این مطلب می توان به چگونگی رشد گیاه (درخت) اشاره کرد که قسمتی از آن متأثر از دانه گیاه، و قسمت دیگر به طبیعت و میزان

در طبیعت ما شاهد خلقت موجودات گوناگون اعم از حیوان و انسان هستیم که هر کدام از آنها در دسته بندی خاصی قرار گرفته و گونه مخصوص خود را تشکیل داده اند، و میتوان گفت که هر طبقه خواص و تشابهات مهم نوع خود را دارد. بعد از طبقه بندی کلی، اگر هر یک از این انواع را مورد مطالعه قرار داده و به بررسی گونه های مختلف بپردازیم، میتوانیم آنها را به لحاظ خصایل مشابه، همواره در دسته بندی های جزئی تر از یکدیگر متمایز نماییم.

در رابطه با انسان که موضوع مورد بحث ما است، دسته بندی ها بسا جلو تر رفته و عملاً حتی بر اساس رنگ، نژاد، موقعیت جغرافیایی و امثال آن صورت میگیرد.

چنانچه بخواهیم صحبت برسر این طبقه بندی ها را محدود تر کرده و فقط به یک نوع آن بسنده کنیم، در می یابیم که با وجودیکه تمام انسانها از نظر ظاهری، وجود متشابهی با یکدیگر دارند. ولی بطور دقیق هیچ دو انسانی را نمیتوان یافت که در کلیه حالات یکسان باشند. این اختلافات نه تنها از نظر ظاهری بلکه در حالات روحی و تواناییهای فردی و میزان رشد استعدادها بخوبی مشهود میباشند.

در حقیقت میتوان گفت که خصوصیات اخلاقی و فردی انسان ها کلاً از یکدیگر متمایز بوده و هر فرد شخصیت منحصر به فرد خود را دارا می باشد. همچنانکه رنگ چشم و خطوط سر انگشتان هر کسی خاص خودش میباشد. تمام این خصایل در طول حیات و زندگی معمولی پیوسته در حال تاثیر پذیری و تاثیر گذاری بوده و تمامی

بتدریج که فرد رشد بیشتری پیدا می کند، به توسعه روابط خود با محیط خارج از خانواده، در مدرسه و در بر خورد با دیگران، می پردازد. در این مرحله است که او قادر خواهد بود رابطه خود با عوامل مختلف ارثی و اجتماعی را بهتر بشناسد و پتانسیل خود را ارزیابی نماید و مسیر تکامل خود را ببیند.

در اینجا میتوان گفت افراد هرچه پتانسیل موجود در خویش و زمینه های پیدایش آن را درست تر تشخیص دهند، موفق تر خواهند بود.

ریشه این اختلاف ها را میتوان در نحوه برخورد پدر و مادر و طرق مختلف تربیتی که در مورد هر بچه اتخاذ میشود جستجو کرد. بر خورد ها و انتظاراتی که خانواده از فرزندان دارد، در سازندگی شخصیت آنها دخالت موثری خواهد داشت. مثلا توقعاتی که خانواده از فرزندان بزرگتر در قبال خواهر یا برادر کوچکترشان دارد، در مقایسه با توقعات آنها از فرزندان کوچکتر و یا چگونگی حمایت اعضای خانواده از رفتار فرزندان، عواملی هستند که در شکل گیری شخصیت فرد اثر می گذارند.

هر کدام از ما به میزان متفاوتی از خلق و خوی خوب و بد را به خود میگیریم، و برداشت همه ما از تمام پیرامونمان یکسان نیست. که این خود می تواند یکی از عوامل گونه گونی رفتارمان باشد. حتی در یک خانواده خواهران و برادران اخلاق و رفتار متفاوت و گوناگون دارند. با اینکه ظاهرا به نظر میرسد که محیط خانواده شرایط یکسان برای تمام بچه ها بوجود آورده باشد. کوچکترین تفاوت در نحوه برخورد در خانواده تاثیر مثبت یا منفی خود را به جا خواهد گذاشت.

BahareIran@mailexcite.com

آدرس پست الکترونیکی بهار ایران:

کرد بلکه دچار تزلزل شخصیتی و فکری خواهند شد. و از آنها عناصر بدون هدف و ضعیف ساخته میشود که در سنین بالاتر ضربه اصلی را خود آنها خواهند خورد.

پرداختن به این امر در شرایط خاص فعلی ما جدا ماندگان از وطن یک امر ضروری است تا برای حفظ ارزشهای تاریخی مان، که خونهای زیادی برای آن داده شده و با انتقال آن به نسل نو، در حفظ این ارزشها، تلاش لازم را بنماییم.

اگر ما فرزندان خود را از زمان کودکی با هدف مشخص زندگی آشنا کنیم و به آنها آموزش دهیم که در تمام امور زندگی آگاهانه قدم بردارند، دیگر در برخورد با اجتماعات مختلف نگران آنها نخواهیم بود و اگر فرزندان ما در مقاطع مختلف سنی مرحله ای از هدف ما فاصله بگیرند (بدلایل مختلف، از جمله تلاطمات سنی) در نهایت با اتکا به آگاهی و آموزش های داده شده، به فطرت انسانی خود باز خواهند گشت. برخلاف آن اگر والدین در اصول و نظرات خود تزلزل نشان دهند و در مقاطع مختلف سنی فرزندان، تسلیم گرایش آنها شوند، نه تنها فرزندان به آنها اعتماد نخواهند

بقیه " نسل نو" از صفحه ۸

انسان بودن را بشناسند و در مراحل مختلف برای رسیدن به این رسالت راههای لازم را دریابند و در احقاق آن تلاش لازم را بنمایند. اگر فرزندان ما از گرایشات و جاذبه های فردی و جامعه آگاه باشند، با کسب شناخت صحیح راه برخورد و سمت و سو دادن به این جاذبه ها را نیز در خواهند یافت. در این نقطه والدین وظیفه مهمی بر عهده دارند تا در سمت و سو دادن این گرایشات فرزندان خود را یاری نمایند. تبادل افکار و بحث و گفتگو پیرامون نظرات مختلف بین والدین و فرزندان، به آنها در ایجاد یک محیط سالم و سازنده یاری خواهد کرد.



شما و بهار ایران



✉ دوست گرامی آقای ادیسون،

در یک پاکت دو نامه ارسال داشته اند که یکی به تاریخ ۱۹ ژانویه ۹۹ و دیگری ۲۱ نوامبر ۹۹ نوشته شده اند:

با تشکر از ایشان در اینجا بخش هایی از نامه هایشان را درج می کنیم:

از نامه به تاریخ ۱۹ ژانویه،

"من چندی پیش دو تا نامه برایتان

فرستادم که در دومین نامه حاوی پول بود

ولی در فرستادن نشریه بهار ایران هیچگونه

اشاره ای نکرده بودید و این را می رساند که

حداقل شما هم مثل سایرین نمی توانید از

ایسن بحران بیکساری و قوانین اروپا و

مخصوصا مسائل حاد جامعه هلند انتقاد

کنید. چرا که شما خودتان به رنگ

بوروکراسی جوامع غربی درآمده اید و فقط

مسئله شما اینست که برای پناهندگان در

غرب و مخصوصا پناهندگان ایرانی در

هلند برنامه ریزی و سازماندهی کنید و

نگذارید در یک کشور حالا اگر آن کشور

ایران را افغانستان غرب و حتی اگر کوبا و

... باشد باز بایستی به حرف شما گوش

کنند. من سئوالم از شما این می باشد،

اگر می توانید جواب دهید اگر نشریه

خودتان را در معرض انتقاد و سنووال

خوانندگان قرار می دهید؟ اگر نه

نمی خواهید به این نامه جواب دهید و

اصولا بحث معارضة و نامه نگاری با افراد

و خواسته گان و سیاستمداران مستقل و

کسانی که شما را زیر سنووال قرار می دهند

مطرح نیست، پس اصولا شما با تشکل و

آیین مبارزه و زندگی کردن با مبارزه کردن و

همراه هم و همطراز هم بودن اصولا قبول

ندارید شما در تشکل و مبارزه و مبارزات

سیاسی و سازمانی سنووال و نقد یکی از

مسائل زیربنایی و پایه ای می باشد. برای

سازندگی آینده برای علم مباحثه و

موضوعات و اهداف و اتحادها و وحدت و

تثوری مبارزاتی ایسن نیست که یک

نویسنده و اهل قلم یک نوشتاری به صورت

مقاله و کتاب و متون درآورد و چاپ کند و

ارائه نماید مسئله تمام است و بگردید من

اهل سخنرانی و پاسخ و پرسش نیستم. این

تازه اول کار است که بایستی خودش را در

معرض دید انتقادی و اعتراض و شکایت و

دوستاران و خوانندگان قرار دهد نه این که

هر کس حرفی زد بر چپ بزند و هزاران

بامبول بازی در بیاورد مثل کلی از نشریات

ایرانی خارج از کشور، در غروب مخصوصا

اروپا و آمریکا این که نشد فعالیت

سیاسی. شماها دنبال سیاهی لشکر و

آدمک احزاب راست و چپ افراطی

میکردید و من می گویم این مسائل

بالاخره خودشان را روزی نشان داده اند و

نشان خواهند داد. نشان به این نشونی که

زمان چندین هزار سال قبل از میلاد

دیکتاتوری و دربار و سوخت و ساز و ابزار

و آلت و آچار پیچ گوشتی شدن مردم تا

همین امروز هنوز انسانها یاد نگرفته اند که

نسبت به همه درستکار و با گذشت و صبور

باشند. طرفدار مارکس و لنین و مانو بودن

چپ بودن را نمی رساند. ضمن اینکه نظر به

جورج بوش و حکومت های بورژوازی غرب

راست بودن را نمی رساند و تظاهرات و

دانشگاه رفتن و بحث سیاسی روز راه

انداختن و رادیو داشتن هم ضد ارتجاع

جمهوری اسلامی ایران را نمی رساند..."

از نامه به تاریخ ۲۱ نوامبر،

... هر از چندی خبری از دوستان راجع به

مسایل ایران و ایرانیان خارج از کشور

بدستم میرسد و تقریبا خیلی خوشایند و

جالب نمی باشد که گروهها و سازمانها و

احزاب و کانونهای دموکراتیک و مردمی

نمی توانند با همدیگر کنار بیایند و همیشه

به صورتی درگیری و مناقشه و بحث های

آنچنانی و جدلی بینشان حکمفرما می

باشد و از طریق فصلنامه ها و نشریات و

خبرنامه و گاهنامه و ماهنامه و مجلات و

روزنامه ها نمی توانند این یک مسئله

غامض و ضروری را حل و فصل کنند..."

بهار ایران:

دوست عزیز آقای ادیسون، همانطور که در

نشریه شماره ۹ بهار ایران منعکس است ما در

آنجا به اینکه آبوتان نشریه را فرستاده اید

اشاره کرده ایم. همچنین همانطور که در آنجا

قول دادیم پاسخ به سئوالهای خصوصی تان را هم

در نامه جداگانه ای ارسال نمودیم. در کارت

تبریکی که تاریخ ۲۲ دسامبر ۹۷ را داشت

فقط خبر دریافت آخرین شماره دریافتی تا

آزمان یعنی شماره ۱۰ را داده اید، امیدواریم

که شماره های قبل و نیز نامه ارسالی ما را هم

دریافت کرده باشید. شماره ۱۸ بهار ایران که

نامه های اخیرتان در آن منعکس شده را برایتان

ارسال می کنیم. در صورت تمایل به دریافت

شماره های بعدی ما را مطلع سازید. برایتان

آرزوی شادکامی داریم.

✉ **بولتن خبری،** تعرض به مرکز

جاسوسی - تروریستی رژیم جنایتکار جمهوری

اسلامی ایران که شامل یک اطلاعیه - بیانیه

مطبوعاتی و گزارش آکسیون است به صندوق

نشریه رسید.

اطلاعیه و بیانیه به امضاء های زیر رسیده

است: جمعی از کمونیست های انقلابی -

سازمان دانشجویان ایرانی (هوادار چریکیای

فدایی خلق ایران)، هلند - فعالین سازمان

فداییان خلق (اقلیت)، هلند - هواداران

اتحادیه کمونیستهای ایران (سریداران)، هلند

بقیه " از تاریخ بیاموزیم" از صفحه ۱۶ گشوده و باوضع بنظر انتقاد مینگریستند. ویان حمله سختی بر اصل عدم تساوی مالیاتی کرد و تمام افراد ملت را موظف بشرکت در تادیه مالیات شمرده و هر قسم امتیاز و معافیت را منافی عدالت و حقانیت محسوب نمود. فنلون حکومت مطلقه را "حیات نسبت باخوت افراد بشر" معرفی کرد. اغلب دانشمندان موافقت داشتند که بایستی قوانینی وضع شود که بارضایت ملت بطور ثابت حدود وظایف عمومی را معلوم نموده و هیچ قوه ای در نقض آن قوانین قدرتی نداشته باشد بلکه جمیع مراکز قدرت مملکت بحکم آن قانون زمامدار امور گردند. فنلون بامید اینکه روزی آرزوهای سیاسی او مقرون به انجام شده و شاگرد او دوک دیورگونی بر تخت سلطنت فرانسه نشیند تشکیلات حکومت انتخابی را طرحریزی کرد. در انگلستان لاک فیلسوف معروف در کتاب حکومت ملی ۱۶۹۰ مبادی اقسام مختلفه حکومت را تشریح نموده و این اصل را اظهار داشت که آزادی و برابری از حقوق ذاتیه بشر است و دول بمنزله نمایندگان و خدمتکاران ملتند که برای پاسبانی حقوق خود تعیین مینمایند و همین فیلسوف سلطنت حقیقی ملت را ثابت دانسته و بملت حق میدهد که هر گاه دولت بر خلاف وظایف خود رفتار کند "بخدا شکایت نماید" یعنی شورش و نهضت انقلابی کند. (...)

فلاسفه و علمای اقتصاد

چانشین متفکرین قرن هفدهم مانند ویان و فنلون و لاک در قرن هیجدهم دو دسته از دانشمندان شدند: یکی فلاسفه و دیگر علمای اقتصاد. فلاسفه هم خود را به بحث در مسایل پلیتیکی و اخلاقی و مذهبی و اجتماعی محصور ساختند، سه تن از

مشاهیر این حکما مونتسکیو، ولتر، روسو بیش از همه نافذ گشتند. معروفترین علمای اقتصاد کسنی و گورنی بودند که مبادی ثروت و شرایط کار و صنعت و تجارت و نظامات مالیاتی را مورد دقت قرار دادند. اما لغویون یا نویسندگان دایره المعارف را هم میتوان در دسته فلاسفه و هم در صنف علمای اقتصاد محسوب داشت. دو قاید این هیئت لغویون دالامبر و دیدرو بودند که پیشرو نهضت بر خلاف اصول قدیمه و علمدار رواج عقاید جدیده بشمار میآیند.

مابه الاشترک این سه دسته یعنی حکما و اقتصادیون و لغویون اعتقاد راسخ و یقین جازمی بود که بقدرت و عصمت و نزاهت ذاتی عقل داشتند. (...)

تمام دانشمندان این عصر رهنمای خود را فقط عقل میدانستند و بر آن بودند که جمیع اصول سابقین را لغو کرده عقل را بر تخت نشانند. مادام دولاامبر در اوایل قرن مینویسد: "حکمت یعنی حقوق حقیقی عقل را شناختن و قدرت از دست رفته را باو باز گردانیدن و طوق عرفیات و سلطه صاحبان حکم و ریاست را از گردن افکار برداشتن" در واقع این عبارت را میتوان شعار متفکرین قرن هیجدهم دانست.

مونتسکیو

از حیث قدمت زمانی نخستین فیلسوف قرن هیجدهم مونتسکیو است (۱۶۸۵-۱۷۵۵) که در حوالی بوردو متولد شد و بلقب بارون دولابرد ملقب گشته و از طبقه نجبا محسوب شده و بریاست پارلمان بوردو نایل گردید. (...) وی کتاب مهمی در فلسفه تاریخ بنام تحقیق در علل عظمت و انحطاط رومیان منتشر ساخت (۱۷۳۴). در حقیقت این کتاب فصلی بود از یک تالیف مهمتر و عظیمتری که شاهکار مونتسکیو محسوب میشود و موسوم است به روح القوانین. برای تدارک این

تالیف منیف بیست سال تمام بلا انقطاع رنج کشید. قسمتی از اروپا را سیاحت کرد. مدتی در هنگری و دو سالی در انگلستان رحل اقامت افکند تا اینکه کتاب را در سنه ۱۷۴۸ بانجام رسانید. روح القوانین کتابی است در فلسفه سیاسی و تجزیه دقیق و منظم کلیه اشکال حکومتها و شرایط و معدنات تولید و استقرار هر یک از این اقسام حکومت. بنابر رای مونتسکیو بهترین صورت حکومت طرز حکومت انگلیس است که حافظ آزادی سیاسی افراد است "شاه این مملکت هیچ ظمی نمیتواند نسبت بفردی از افراد بکند چرا که قدرت او در تحت تفتیش و نظارت دیگری است" همچنین بر حسب رای مونتسکیو بایستی در ممالک معظمه سه قوه متمایز و مستقل از یکدیگر وجود داشته باشد: مقننه، اجرائیه و قضاییه و این تمایز و استقلال را وثیقسه حتمیه آزادی میدانست. (...)

کتاب روح القوانین اشتها فوق العاده گرفت، در ظرف ۱۸ ماه بیست و دو دفعه بطبع رسید و بتمام السنه اروپایی ترجمه شد. (...) این تالیف بمحض انتشار عملا موثر نیفتاد بلکه چهل سال بعد نخستین مجالس دوره انقلاب سرمشقی رفتار خود را از آن ماخوذ داشتند و از ۱۷۸۹ تا امروز هر قانونیکه در فرانسه وضع میشود مبتنی بر اصل اصیل انفکاک قوای ثلاثه است.

ولتر آغاز کار او

برخلاف مونتسکیو که تالیفاتش بقصد التیام و عمران خرابیها بود ولتر (۱۶۹۴-۱۷۷۸) جز تخریب کاری نداشت. (...)

اصول عقاید لاک انگلیسی را در این مجموعه وارد کرده حکومت مطلقه عصبیت مذهبی و نفوذ و سیادت فوق العاده روحانیون را انتقاد نموده است. این کتاب را مخرب و مزل محسوب داشتند و بنام حفظ

مؤلف حقیقی دایره المعارف دیدرو (۱۷۱۳-۱۷۸۴) بود که نخست بفکر این تالیف عظیم افتاد و با وجود مشکلات طاقت فرسا سالیان دراز با حوادث مقاومت ورزید و کار خود را تعقیب کرد و هم خود مقالات متعدده نوشت و در آن درج نمود هم سایرین را وادار بشرکت و مساعدت کرد. (...)

دیدرو در سنه ۱۷۴۹ مکتوبی باین عنوان نوشت: "این مکتوبی است در باب کورها برای استفاده اشخاصی که چشم دارند" در این رساله به بیدینی و مادیت اعتراف کرده و بهمین ملاحظه چندی در قلعه ونس محبوس شد.

دایره المعارف بنابر اعلامیه ای که مژده انتشار آنرا میداد عبارت بود "از فهرست مجاهدات و مساعی مغز بشری که در قرون ماضیه برای اکتساب مسایل مختلفه نموده است" (...)

استبداد منور

فلاسفه و مولفین دایره المعارف و علمای اقتصاد با اینکه دشمن بزرگ و خصم صریح حکومت استبدادی بودند هیچیک با بودن پادشاه در مملکت مخالفتی نداشتند و علمدار مرام دموکراسی بشمار نمیآمدند. (...)

در حقیقت شعار علما و فلاسفه را میتوان این عبارت قرار داد: "همه چیز برای ملت و هیچ چیز بتوسط ملت" یعنی وظیفه هر شخصی آن است که جمیع خیرات و ترقیات را برای ملت خود بخواهد لکن نباید خود ملت را وسیله کسب این خیرات بکند و آنرا در امور دخالت بدهد زیرا که جهل ملت موجب ندامت خواهد شد. (...)



ژان ژاک روسو

سپس در کتاب (علل عدم تساوی بشر- ۱۷۵۵) و در تالیف معتبر خود موسوم بمیشاق اجتماعی (۱۷۶۲) عقاید سیاسی خویش را انتشار داد. در این تالیفات روسو هم مثل لاک بحریت و مساوات افراد بشر قایل گردیده و ثابت نمود که کلیه تشکیلات سیاسی و اجتماعی باید از لحاظ حفظ حقوق افراد دایر گرده و از طرف دیگر افراد نیز بایستی خود را محکوم اراده اکثریت بدانند در واقع حکومت حقیقی را مخصوص ملت میدانست. این افکار روسو منجر به تاسیس جمهوری گردید. یعنی سی سال بعد در ایام انقلاب کبیر فرانسه بمعرض عمل درآمد. (...)

لغویون

عقاید فلاسفه سابق الذکر و علمای لغت بوسیله کتب و رسالات انتشار گرفت و توسعه این انتشارات به نسبت سختگیری پارلمان که در صدد منع و توقیف آنها بود تفاوت میکرد. هر قدر بیشتر پارلمان سختگیری میکرد مردم و محافل ادبی و علمی بیشتر توجه مینمودند و مبلغ و ناشر آن میشدند، دایره المعارف هم که چاپ شد افکار علماء و مؤلفین خود را در جامعه رواج بخشید.

اخلاق و احترام مذهب و صیانت قدرت پادشاه پارلمان امر داد که آن را طعمه آتش ساختند. نزدیک بود ولتر دچار حبس شود لکن فرار جان او را خرید. (...)

در ایام پیری ولتر کتب مفصل کم نوشته است. بیشتر هم خود را مصروف بنوشتن نامه و مکتوب نمود و آنچه از او باقی مانده و طبع شده است امروز قریب ده هزار مکتوب است. علاوه بر نامه رسایل بسیار هم نشر داده است که مربوط بحوادث عصر و پیشآمدهای زمان بوده اند. در واقع کار یکنفر جریده نگار را کرده است اما جریده نگاری که تا امروز بشدت لهجه و تیزی قلم و بیان او چشم روزگار ندیده است. قصد ولتر ترتیب دادن شالوده معین و اساس مرتبی در سیاست یا در حکمت نبود، همش مصروف مقصور بجدال و دفاع بود، خود بمادام دوورفان مینویسد "من مخرب بزرگی هستم".

روسو

در مقابل ولتر که جز تکثیر خرابی و افزایش ویرانه های اجتماعی کاری نداشت ژان ژاک روسو (۱۷۱۲-۱۷۷۷) پیدا شد که بانی طرز نوی در حکومت و موسس تشکیلات جدیدی در جامعه گردید. مونتسکیو و ولتر که هر دو از طبقات ممتاز بودند در پیشش نهاد اصلاحات بتغییراتی چند در اصول سیاسی و محدودیستی در حکومت مطلقه اکتفا میکردند. اما روسو که پسر ساعت سازی از اهل ژنو بود و از طبقه رعایا محسوب میگردد و ایام جوانی را فقر و فاقه بسر آورده بود بنابر رنجه و صدماتیکه باو وارد شده بود بر این عقیده شد که باید دولت و جامعه را اساساً زیروبر کرده و طرح نوی در انداخت. (...)

گزیده هایی از:

الخبیر

و

گزارشها

کارگری - دانشجویی

رادیو اسرائیل ۲۴ مهر؛

هفته نامه آبان نوشت؛ آن گروه از وکیلان دادگستری که برای دفاع از دانشجویان بازداشت شده بصورت تسخیری گزیده شده بودند از موکلین خود دفاع نکردند و تنها اقدام آنها درخواست تخفیف مجازات بوده است. همین هفته نامه نوشت؛ شمار دانشجویان بازداشتی از آنچه که رسماً اعلام شده بسیار بالاتر است و نوشت؛ یکی از دانشجویان در زندان دیوانه شده است. پیشتر گفته شده بود که بیش از ۱۰۰۰ دانشجوی بازداشت گردیده که صدها نفر آنها مورد محاکمه و مجازات قرار خواهند گرفت.

رادیو اسرائیل ۱۵ آبان؛

عفو بین الملل از حکومت اسلامی ایران خواستار گردید دانشجویانی را که به جرم مبارزه در راه آزادی و اصلاح طلبی به دوره های طولانی زندان محکوم گردیده اند آزاد کنند... امنستی اینتر نیشنال ابراز نگرانی کرد که صدها دانشجوی زندانی در معرض شکنجه زندانبانان قرار دارند و محاکمه آنان به شیوه ای ظالمانه صورت می گیرد.

رادیو امریکا ۱۹ آبان؛

(دانشجویان دانشگاه امیرکبیر) به دستگیر شدن ۳ دانشجوی دانشگاه امیر کبیر که به اتهام کفر محکوم به حبس شده اند اعتراض

کردند. این دانشجویان ماه گذشته به اتهام انتشار یک نمایشنامه در مجله دانشجویی «موج» که گفته می شود امام دوازهم را مسخره می کرد محکوم به حبس شدند...
رادیو فرانسه ۲۳ آبان؛

... روزنامه خرداد در خبر دیگری نوشت؛ که تعدادی از دانشجویانی که در واقعه بیستم تیرماه دانشگاه تبریز بازداشت شده بودند به ۸ ماه تا ۸ سال زندان محکوم شده و ۱۴ تن از آنان با حکم تعلیقی آزاد شده اند. ۷ تن از این دانشجویان بازداشت شده عضو کانون مستقل دانشجویان دانشگاه تبریز بوده اند.

اقتصادی - اجتماعی

رادیو فرانسه ۱۰ آبان؛

براساس آخرین آمار رسمی، ژاپن بعنوان اولین طرف تجاری ایران سالی... سه میلیارد و دویست میلیون دلار نفت از ایران وارد می کند. گفتنی است که نه و دو درصد نیازهای نفتی ژاپن را ایران تامین می کند.
رادیو فرانسه ۱۳ آبان؛

در نبرد میان نیروهای انتظامی ایران و قاچاقچیان مواد مخدر در نزدیکی مرز پاکستان ۳۵ تن از نیروهای انتظامی ایران به قتل رسیدند

رادیو اسرائیل ۱۸ آبان؛

به نوشته روزنامه اخبار اقتصاد، مجلس شورای اسلامی روز گذشته لایحه ای تصویب کرد که بموجب آن بدهی ۱۴ میلیارد دلاری سوریه به ۱۰ صد سالیانه تقسیم می شود که سوریه هر سال باید آن را به بانک مرکزی خود واریز کند. ولی ایران حق خارج کردن این پول را ندارد و باید همه مبالغ دریافتی را در خود سوریه هزینه کند که درواقع نه بازپرداخت بدهی به ایران بلکه نوعی کمک اقتصادی دوساره به سوریه محسوب خواهد شد...

رادیو فرانسه ۸ آذر؛

مجلس شورای اسلامی ایران که اکثریت کرسیهای آن را اعضای جناح محافظه کار در دست دارند سرانجام پس از ۱۸ روز مناظره طرح پنجماله دولت خاتمی را امروز تصویب کرد. در این طرح که حاوی حدود ۲۰۰ ماده است از جمله واگذاری شماری از موسسات دولتی به بخش خصوصی و پایان بخشیدن به بعضی انحصارات دولت در زمینه های دخانیات، ارتباطات، راه آهن، چای و قند و شکر که متجاوز از نیم قرن است در انحصار دولت قرار دارد پیش بینی شده است... و آنها برخلاف انتظار طرح دولت خاتمی را تصویب نمودند.

سفر خاتمی به فرانسه

رادیو اسرائیل ۵ آبان؛

حجت الاسلام سید محمد خاتمی برای اجرای نخستین دیدار رسمی از فرانسه از هنگام بقدرت رسیدن حکومت اسلامی وارد پاریس شد و همزمان مقامات پلیس فرانسه برای جلوگیری از برگزاری از تظاهرات مخالفان رژیم و بویژه تلاش آنها برای خنثی کردن این سفر رسمی به تدابیر امنیتی بسیار گسترده ای دست زد و صدها نفر ایرانی را بازداشت کرد و همه مرزهای هوایی، زمینی و دریایی فرانسه را مورد کنترل کامل قرار داد... ساعاتی پیش از آغاز دیدار رسمی حجت الاسلام خاتمی از فرانسه در پاریس اعلام شده بود که حکومت ایران درصدد انجام معاملات بازرگانی کلان با شرکتهای فرانسویست. از جمله گفته شد که ایران از شرکت فرانسوی آلستوم صد دستگاه واگن قطار به ارزش کلی ۱۹۲ میلیون دلار خریداری می کند...

رادیو امریکا ۵ آبان؛

... رئیس جمهور ایران در شرایط امنیتی شدید برای ۳ روز دیدار از فرانسه وارد

پاریس شد... سخنگوی شورایی مقاومت ایران گفت: تعدادی از اعضای آن سازمان توسط پلیس فرانسه بازداشت شده اند. فرانسه از بیم بروز اعتراضات خشونت آمیز علیه سفر خاتمی تدابیر امنیتی شدیدی را بسورد اجرا گذاشته است... پلیس فرانسه چندین نفر از اعضای گروه مجاهدین خلق را برای مدت کوتاهی بازداشت کرد... پلیس تعداد تظاهرکنندگان را بیش از ۲ هزار نفر اعلام کرده است اما ترتیب دهندگان تظاهرات می گویند بیش از ۵ هزار نفر در تظاهرات شرکت کردند.

راديو فرانسه ۵ آبان؛

صبح امروز هواپیمای محمد خاتمی بر اثر وجود مه غلیظ برفراز فرودگاه اورلی در پاریس با دو ساعت تاخیر بر زمین نشست. محمد خاتمی از سوی لویی بسوم وزیر مسکن فرانسه مورد استقبال قرار گرفت... فرانسه بطور موقت و برخلاف قوانین اروپایی شنگن، از چند روز پیش به کنترل اوراق هویت ایرانیها یا ایرانی تبارها در مرز این کشور دست زد. این افراد که اکثر آنها از طرفداران سازمان مجاهدین خلق بودند به قصد شرکت در تظاهرات امروز علیه دیدار رئیس جکهوری ایران از دیگر کشورهای اروپایی به فرانسه می آمدند ماموران پلیس فرانسه در فرودگاههای بین المللی نیز از ورود جمعی از اعضای سازمان جلوگیری کرده بودند... با اینهمه این پرسش مطرح است واقعا علیه رئیس جمهوری ایران تهدیدی شده بود یا وزیر کشور فرانسه برای توجیه دستگیریهای امروز این مطلب را عنوان کرد؟... تظاهران گسترده امروز در پاریس برای اعتراض به سفر محمد خاتمی به فرانسه و نقض حقوق بشر در ایران انجام گرفت... تظاهراتی که طی آن شعارهایی چزن؛ خاتمی به کشور

بازگرد شنیده می شد (پخش برخی شعارها از جمله) خامنه ای، خاتمی مرگ به نیرنگتان - خون جوانان ما می چکد از چنگتان... دولت فرانسه نقض حقوق بشر را در ایران نمی پذیرد اما با دستگیری مخالفانی که قصد بیان مخالفت خود را داشته اند در واقع سخن را بر قریانیان عدم رعایت حقوق بشر می بندد... با وجود توسعه نسبی روابط اقتصادی دو کشور در ماههای گذشته هنوز سرمایه گذاران فرانسوی از سرمایه گذاری در ایران بیسم دارند. بویژه بدلیل نظام قضایی ایران که امنیت اقتصادی را تامین نمیکند. در حال حاضر حدود ۲۰ شرکت فرانسوی در ایران فعال هستند... فرانسه پس از آلمان، ایتالیا و ژاپن چهارمین طرف بازرگانی ایران است... صادرات فرانسه به ایران عمدتاً فرآورده های کشاورزی، صنعتی و کالاهای واسطه ای است و ایران پنجمین تامین کننده نفت فرانسه است.

جنگ قدرت جناحهای

رژیم

راديو فرانسه ۱۳ آبان؛

در بیستین سالگرد اشغال سفارت امریکا در تهران امروز تظاهراتی توسط گروههای مشهور به محافظه کار در برابر ساختمان پیشین سفارت امریکا برگزار شد. به گزارش خبرگزاری فرانسه حدود ۴ هزار نفر شرکت داشتند و پرچمهای امریکا و... را به آتش کشیدند. دیروز دفتر تحکیم وحدت یک گردهمایی (حدود ۳۰۰ نفر به گزارش خبرگزاری فرانسه) در دانشگاه تهران برگزار کرد که در آن از سردادن شعارهای افراطی و آتش زدن پرچم امریکا خودداری گردید. سخنران اصلی امروز دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، محسن رضایی بود.

راديو فرانسه ۷ آذر؛

محکومیت حجت الاسلام عبدالله نوری عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و مدیر مسئول روزنامه خرداد به ۵ سال زندان و ۵ سال محرومیت از فعالیتهای مطبوعاتی و اکنشهای گسترده ای در مجامع و محافل اصلاح طلب ایرانی را در پی داشت و با شگفتی ناظران در ایران روبرو شد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، امروز اعضای مجمع حزب اله مجلس نزدیک به جبهه دوم خرداد به دیدار محمد خاتمی رئیس جمهوری اسلامی ایران رفتند و ضمن شکوه از محکومیت سنگین حجت الاسلام عبدالله نوری خواستار مداخله رئیس جمهوری برای آزادی او شدند. خبرگزاری فرانسه به نقل از منابع ایرانی گزارش داد که رئیس جمهوری در این دیدار گفته است که نمیتواند در این قضیه مداخله کند. یادآوری می کنیم که عبدالله نوری دیروز بلافاصله پس از صدور حکم دادگاه ویژه روحانیت به زندان اوین انتقال یافت و روزنامه او، خرداد نیز تعطیل شد....

اعتراضات - سرکوب و

اختناق - ترور

راديو فرانسه ۱۱ آبان؛

(متهمین پرونده) نثریه موج به ۳ سال حبس محکوم شدند. شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران امروز اعلام کرد که عباس نعمتی نویسنده نمایشنامه «کنکور وقت ظهور» و محمدرضا نیاتی متهم به توهین نسبت به فاطمه زهرا دختر پیامبر در سخنرانی (با عنوان) سنت و مدرنیسم به ۳ سال زندان محکوم شدند. به گزارش ایرنا این احکام با توجه به اعلام اشباه ناشی از ضعف قلم و بیان توسط متهمین صادر شده است. متهم ردیف سوم دادگاه مزبور، آقای

علیرضا آقایی مسئول تابلوی آزاد انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر به اتهام نشر مطالب توهین آمیز نسبت به احکام و مقدسات دینی بمدت ۶ ماه حبس تادیبی محکوم شد....

رسانه ها ۱۲ آبان؛

شورایملی مقاومت ایران امروز اعلام کرد حوالی هفت و نیم دیشب موشک‌هایی از نوع اسکاد به یکی از قرارگاه‌های ارتش آزادیبخش واقع در ۴۵ کیلومتری شمال بصره و ۳۵ کیلومتری مرز ایران، اصابت و حفره ای به عمق ۶ متر و قطر ۱۲ متر در مجاورت قرارگاه حبیب ایجاد کرد. طی این حمله تروریستی ۵ نفر جان خود را از دست داد و شماری نیز مجروح شدند. سازمان مجاهدین خلق دولت ایران را مسئول تهاجم تروریستی دانسته و گفت؛ این حمله درواکنش به اعتراضات هواداران مقاومت در هفته گذشته نسبت به سفر خاتمی به پاریس صورت گرفت. این دومین حمله حکام مذهبی ایران در سال میلادی جاری بوده است. به گفته سخنگوی این سازمان حمله موشکی هشتادمین جنایت تروریستی دیکتاتوری مذهبی حاکم از سال ۹۳ تا کنون می باشد.

رسانه ها ۱۴ آبان؛

شورایملی مقاومت اعلام کرد که امروز هزاران ایرانی در شهرهای مهم اروپایی در مقابل سفارتخانه ها و کنسولگریهای حکومت ایران و دیگر جاها به گردهمایی اعتراض آمیز دست زده و حمله موشکی رژیم به قرارگاه ارتش آزادیبخش را محکوم نمودند. تظاهرات مشابهی نیز در امریکا و کانادا برگزار میشود. به گزارش شورایملی مقاومت تظاهرکنندگان علیه خاتمی و خامنه ای و دیگر سردمداران رژیم شعار داده و محاکمه آنها را خواستار شدند.

مجاهدین امروز شماری از خبرنگاران خارجی را به قرارگاه حبیب و بیمارستانهایی بردند که زخمیهای حمله موشکی در آنجا بستری هستند.

رادیو فرانسه ۲۱ آبان؛

(مقامات ایران وعراق تفاهم نامه های اقتصادی) و جهانگردی را در پایتخت عراق به امضا رساندند. به گزارش خبرگزاری ایران، براساس این تفاهم نامه ها تهران و بغداد در زمینه تولیدات مواد غذایی، بهداشتی، توسعه صنایع و مخابرات گسترش خواهند داد.

رسانه ها:

روز دوشنبه ۲۲ آذر ماه یک بسیجی به نام هادی محبی که مأمور امر به معروف و نهی از منکر و فرمانده یکی از واحد های گردان عاشورا بود، در مغازه خود به ضرب چاقوی جوانان خشکین به هلاکت رسید.

مقامات قضائی حکومت بلافاصله در ظرف دو روز حکم اعدام برای ضارب، به نام مرتضی امینی و پانزده سال حبس برای فرد دوم پرونده، به نام حامد ناطمی صادر نمودند.

این در حالی است که رسیدگی به پرونده های قتل های زنجیره ای و عاملان حمله به خوابگاه دانشجویان، به بهانه های مختلف به تعویق می افتد.

کودکان

بی بی سی ۱۰ آبان؛

... شمار فزاینده ای از کودکان امروز خانه و خوانواده و دوستان خود را پشت سر می گذارند و به تنهایی به بریتانیا می آیند غالب این کودکان به طرق غیرقانونی از جمله پنهان شدن در گوشه انبارهای کشتی های باری، ترنها و کامیونها وارد بریتانیا میشوند. آنها تحت شرایط دشوار، مسیر

طولانی را غالبا در سرما و گرسنگی بدون آنکه بداندند که مقصد نهایی کجاست طی میکنند... مقامات دولتی با مشکل رسیدگی به نزدیک به بیش از ۸۰ هزار پرونده تقاضای پناهندگی مواجهند برخی از این تقاضاها ۱۰ سال پیش تسلیم مقامات مربوطه شد...

رادیو آلمان ۲۴ آبان؛

... ۱۳۰ میلیون کودک در جهان از رفتن به مدرسه و سوادآموزی محروم هستند که طبق محاسبات سازمان حمایت کودکان مقامات یونیسف، دوسوم آنها دختر هستند... در کشورهای فقیر جهان هر سال حدود ۱۵۰ هزار دختر جوان بر اثر حاملگی در سنین خردسالی جان خود را از دست می دهند.

رادیو آلمان ۳ آذر؛

... بدلیل زیر پا گذاشتن حقوق کودکان در سراسر دنیا، در روز ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ یعنی ۱۰ سال پیش در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در شهر نیویورک بیانیه حقوق کودکان به تصویب رسید... این بیانیه در ۵۴ ماده احکام مربوط به حقوق بشر را در ارتباط با کودکان از زمان تولد تا سن ۱۸ سالگی مرور می کند... حقوق میلیونها کودک در طول ۱۰ سال گذشته تا آنجا که به استعمار کاری و یا سواستفاده جنسی از کودکان برمیگردد در سراسر جهان تغییر چندانی نکرده است... .

حقوق بشر

رسانه ها ۱۱ آبان؛

آقای کاپیتورن در تازه ترین گزارش خود، که آن را به اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل ارایه کرد از وخیم شدن وضعیت حقوق بشر در ایران پس از سرکوب تظاهرات دانشجویان در تیر ماه گذشته خبر داد و

گفت: آزادی بیان، مطبوعات و تشکلات سیاسی در ۴ ماه اخیر نسبت به دوره قبل از تیر ماه محدودتر شده است. وی در گزارش خود افزود: مقامات ایران در ۳ سال اخیر حتی در ۲ سال ریاست جمهوری آقای خاتمی به او امکان سفر به ایران را نداده اند. آقای کاپیتورن همچنین ادامه بدرفتاری و شکنجه زندانیان سیاسی در ایران را غیرقابل تحمل دانست. تلویزیون ایران امروز این محکومیت را مردود دانست.

رفسنجانی نماز جمعه ۲۱ آبان تهران؛

ایرانی که فضایش بیشتر از همه کشورهای منطقه باز و محیطش، حرف زدن و اظهارنظر کردن از همه کشورهای منطقه ما بازتره

باز مظلومانه تحت اظهارات نادرست گزارشگر سازمان ملل قرار گرفت و ادعاهای همیشگی خودشون را تکسار کردند.

رادیو آلمان ۲۸ آبان؛

(کمیته سوم سازمان ملل متحد رژیم جمهوری اسلامی ایران را) در قبال حقوق بشر به شدت مورد انتقاد قرار داد. در قطعنامه ای که با ۶۰ رای موافق تصویب شد این کمیسیون سازمان ملل درباره رعایت حقوق بشر در ایران ابراز نگرانی عمیق کرد. این قطعنامه به اتکای کشورهای اروپایی و کانادا و امریکا به تصویب رسید. در این قطعنامه کادر رهبری ایران متهم به جلوگیری از آزادی مطبوعات و بیان عقیده و سانسور نویسندگان و... جلوگیری از انتشارات شد. مضاف بر آن در گزارش مأمور ویژه سازمان ملل متحد برای حقوق بشر، موریس کاپیتورن گفته شده که شکنجه و بدرفتاری با زندانیان در ایران ادامه دارد. گفته شده که از ماه ژانویه

تا ماه اوت امسال، ۱۳۸ نفر در ایران اعدام شده اند.

رادیو رژیم ۲۸ آبان؛

... قطعنامه وضعیت حقوق بشر در ایران دیشب برای هفدهمین سال متوالی در کمیته سوم مجمع عمومی مطرح شد. از ۱۸۸ کشور جهان بیش از دو سوم آنها به قطعنامه رای منفی یا ممتنع دادند و یا در رای گیری شرکت نکردند و تنها ۶۰ کشور با انگیزه های سیاسی به آن رای مثبت دادند.

رادیو اسرائیل ۲۸ آبان؛

... در تهران اعلام شد که دادگاه شرع اسلامی در شیراز حکم داد که دست راست و پای چپ دو تن که به سرقت محکوم شده اند بریده شود...

ورزشی

رادیو اسرائیل ۱۸ آبان؛

شورایلی مقاومت ایران گزارش داد که حدود ۲۰ هزار تاشاچی پس از آنکه داور، مسابقه را ناتمام گذاشت به خیابانها ریختند و به تظاهرات گسترده ای دست زدند. بنابراین گزارش نیروهای انتظامی سا تماشاجیان تظاهرکننده درگیر شدند این زدوخورده حدود ۵ ساعت ادامه داشت که در جریان آن چندین خودرو دولتی به آتش کشیده شد... خبرگزاری ایرنا در این رابطه گزارش داد که مسابقه بین تیمهای استقلال تهران و فجر سپاسی شیراز بعلت پرتاب سنگ از سوی تماشاچیان ناتمام ماند... کیهان ورزشی در شماره امروز خود خبر درگیری بین نیروهای انتظامی و تماشاچیان را مورد تایید قرار داد... روزنامه کیهان ورزشی نیز امروز نوشت: در این حادثه داور مسابقه آقای جلال مرادی و یکی از

کارکنان زمین به سختی توسط تماشاچیان مضروب شدند.

رادیو فرانسه ۷ آذر؛

در مسابقات قهرمانی جهان وزنه برداری در آتن، حسین رضازاده وزنه بردار ایرانی در دسته بالای ۱۰۵ کیلوگرم با بلند کردن ۲۰۶ کیلو رکورد جهانی حرکت یکضرب را شکست. رکورد قبلی با ۲۰۵ کیلو و ۵۰۰ گرم متعلق به وزنه بردار آلمانی «رونی ولر» بود که آن را در مه سال ۱۹۹۸ به جا گذاشته بود.

علمی - فرهنگی

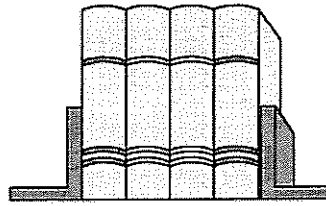
اسرائیل ۱۶ آبان؛

(در یک جلسه) با شکوه و با شرکت مشهورترین شاعران و نویسندگان هلند یکی از مهمترین جایزه های ادبی آن کشور بنام «واژه آزاد» به آقای احمد شاملو شاعر و پژوهشگر نامدار ایران تعلق گرفت. آقای شاملو که بدلیل بیماری از ایران خارج نشده، آقای رضا علامه زاده فیلمساز برجسته ایرانی مقیم هلند را به نمایندگی از جانب خویش برای دریافت این جایزه که دیروز اعطا شد اعزام کرده بود.

رادیو فرانسه ۱۹ آبان؛

باز هم مشکلات ناشی از تغییر و تحولات جوی و آلودگی هوا دامن گیر زمین شده است. هربار دانشمندان با داده های جدید نگرانیها را تشدید می کنند. این بار علاوه بر گرم شدن زمین و مزار ناشی از آن، متخصصان محیط زیست از افزایش گازگرنیک و فتو سنتز، از بالا رفتن درجه حرارت زمین و رشد استثنایی درختان و گیاهان در بعضی نقاط صحبت کردند.

گزیده هایی از «تئوپیم تاریخ»



مهر:

۱۰ مهر ۱۳۰۰

شهادت کلنل محمد تقی خان پسیان

۱۰ مهر ۱۳۲۰

اعلام موجودیت حزب توده

۱۶ مهر؛

جشن مهرگان، جشن مهر و دوستی که از سالهای قبل در ایران رسم بوده است.

۱۶ مهر ۱۳۳۲

تظاهرات وسیع مردم به نشانه اعتراض به محاکمه دکتر مصدق و یارانش که منجر به تعطیلی بازار، دانشگاه و مدارس گردید.

این تظاهرات بوسیله کمیته دانشگاه آن زمان ترتیب داده شده بود.

۱۸ مهر ۱۳۵۶

اعطای جایزه صلح نویسل سال ۱۹۷۷ به سازمان عفو بین الملل.

۲۰ مهر ۱۳۶۶

در گذشت سهراب سپهری شاعر و هنرمند ایرانی.

۲۱ مهر ۱۳۴۳

لایحه مصونیت نظامیان آمریکایی (کاپیتولاسیون) با اکثریت ۶۲ رای از ۷۰ تن نمایندگان حاضر، در زمان دولت حسعلی منصور به تصویب رسید. به موجب این طرح دولت ایران حق رسیدگی به جرایم پرسنل نظامی آمریکا در ایران را نداشت.

۲۴ مهر ۱۳۱۸

فرخی یزدی شاعر انقلابی و مردمی تاریخ معاصر ایران توسط عوامل استبداد رضا شاهی به شهادت رسید.

آبان:

۱۳۳۳ آبان

دولت آمریکا همزمان با تصویب قرارداد کنسرسیوم در مجلس سنا و شورای ملی و امضاء محمد رضا شاه، یک وام ۱۲۵ میلیون دلاری به شاه اعطا کرد. این قرارداد موجبات وابستگی سیاسی، اقتصادی و نظامی کشور را به آمریکا هموار ساخت.

۱۳۵۶ آبان

برخی از احزاب سیاسی طرفدار قانون اساسی دوره شاه فعالیت خود را از سر گرفتند. این فعالیتها بخاطر فضای باز سیاسی بود که از اواسط سال ۱۳۵۵ و در کنار سیاست "حقوق بشر کارتر" که باشعار "نه ویتنامی دیگر و نه پینوشه های دیگر" به زمامداری رسیده بود، مجدداً شکل گرفت.

۴ آبان ۱۳۵۷

بیش از هزار تن از زندانیان سیاسی از زندانهای استبداد محمد رضا شاه آزاد شدند.

۷ آبان ۱۳۳۲

لایحه قرار داد کنسرسیوم نفت به ابتکار علی امینی، عامل استعمار، به تصویب مجلس شورای ملی و سنا رسید. به همین مناسبت آیزنهاور رئیس جمهور آمریکا و چرچیل نخست وزیر انگلیس به شاه تبریک گفتند.

۷ آبان ۱۳۵۷

در بیش از ۵۰ شهر بزرگ و کوچک تظاهرات ضد سلطنتی بر پا شد که عده ای شهید و مجروح شدند.

۱۳ آبان ۱۳۵۷

دربر خورد خونین عوامل رژیم شاه با دانشجویان و دانش آموزان در داخل و اطراف

دانشگاه تهران ۸ تن شهید و عده زیادی مجروح شدند.

۱۵ آبان ۱۳۵۸

کابینه دولت موقت به ریاست مهندس بازرگان سقوط کرد.

۱۹ آبان ۱۳۳۳

دکتر حسین فاطمی وزیر امور خارجه دولت ملی دکتر مصدق توسط مزدوران شاه تیر باران شد.

۲۴ آبان ۱۳۴۰

شاه، فرمانی به امینی نخست وزیر وقت صادر کرد که در آن مسواد برنامه جدید اصلاحات تشریح شده بود. این همان برنامه مورد نظر دولت کندی بود که چند ماه بعد برنامه انقلاب سفید و سپس انقلاب شاه و مردم نام گرفت.

آذر:

۱ آذر ۱۳۶۴

درگذشت غلامحسین ساعدی نویسنده بزرگ کشورمان در تبعید.

۵ آذر:

ولادت حضرت علی پیشوای شیعیان

۷ آذر؛

بعثت پیامبر اسلام

۱۶ آذر ۱۳۳۲

تظاهرات وسیع دانشجویان دانشکده های حقوق و علوم سیاسی، علوم، دندانپزشکی، فنی و داروسازی در اعتراض به ورود رئیس جمهور آمریکا به تهران. در این روز مزدوران شاه در تعقیب دانشجویان آنها را در سالن دانشکده فنی به مسلسل بستند. در نتیجه سه تن از دانشجویان به نامهای شریعت رضوی، مصطفی بزرگ نیا و احمد قندچی به شهادت رسیدند.

مطلب فکاهی که در زیر مشاهده می کنید، از روی اینترنت، صفحه طنزهای خرسندی برداشته شده. که بمناسبت سالگرد قتل های زنجیره ای در ایران، تهیه شده است.

سالگرد قتل های زنجیره ای

در آستانه ی سالگرد قتل های زنجیره ای، آقای کورش فولادی، نماینده مجلس شورای اسلامی، در حمایت از "دوم خرداد" و برنامه های خاتمی سخن گفته است. کورش فولادی همان کسی است که هیجده سال پیش در تظاهرات مخالفان در لندن هنگام ساختن بمب برای کشتن ایرانیانی که در هایدپارک جمع میشدند، خود قربانی انفجار نابهنگام بمبش شد و یک دستش رفت و به زندان افتاد. تروریست ناکام، پس از آزادی، از انگلیس به ایران رفت، از خرم آباد وکیل شد و اکنون عضو کمیسیون دفاعی! مجلس است.

سالگرد بریدن سرهاست سال اهل قلم، فروهرهاست در چنین سالگرد فرخنده تروریستی سرو مرو گنده، کرده تشویق، خاتمی جان را برده بالا مقام ایشان را! تروریست، عضو مجلس شورا است ایهاالناس جالبش اینجاست! خاتمی مجری قوانین است! خوب قانون گذار او، این است! در و تخته بهم درآمد جور آن نماینده، این رئیس جمهور هردو با رای مردم آمده اند با لب پرتبسم آمده اند خاتمی در کمال خوش سخنی زده حرف از جوامع مدنی کیر داده به لفظ "قانونمند" بند کرده به آن، دوسالی و اند گفتگو کرده با تمدن ها! معنیش در دل خویش تنها دور بوده ز دسته ی فاسد کورش بمب ساز هم شاهد!

کورش البته سمبل است اینجا کورش البته سمبل است اینجا
شاید او را خدا فرستاده! یا کسی نقشه دست او داده
که به ما خنک ها بگوید: هی! انتظارات بیخودی تا کی؟
قاتلان را درسته می خواهید؟ با سر و روی شسته می خواهید؟
خوب، غیر از یکی که در حمام و اجیبی خورد و رفت پیش امام
ما بقیه همین طرفاییم و اجیبین هم کشیده، زیباییم
داخل مملکت اگر لایم در برون مرز با کراواتیم
ظاهرا اسممان اپوزیسیون صاحب نشریه، تلوزیون
من به لندن خودم چنین بودم در کنار مخالفین بودم
ترور فکر و کشتن آدم هست برنامه مان، همه از دم
امر و فرمایشی اگر دارید بی تعارف، به ما بفرمایید
با سلاح جدید یا که قدیم در کجا خدمت شما برسیم؟
در خیابان و کوچه پسکوچه؟ باغ؟ زیر درخت آلوچه؟
توی کاخ رئیس جمهوری؟ دفتر کار ناطق نوری؟
(فرق با هم نمیکند ابا همه جا هست مثل خانه ما)
کورشم بنده، بعله، فولادی بمب ساز بهار آزادی
تروریست موافق دولت بیش از این هم نیکتم فرصت
هفته بعد ادامه خواهم داد: بحث شیرین دوم خرداد!



آدرس:

بهای اشتراک سالانه (با احتساب هزینه پست)

G.I.V.N.
P.B. 32406
2503 AC Den Haag
Nederland

اروپا معادل ۲۰ فلورن
آمریکا و کانادا معادل ۱۵ دلار آمریکا
خواهشمندیم بهای اشتراک را مستقیماً به آدرس بهار ایران ارسال نمایید.

بقیه " شما و بهار ایران " از صفحه ۱۹
 ☒ فهرست کتاب (خانه کتاب کلن): توسط خانه کتاب به صندوق نشریه رسید. از بابت آن متشکریم.

با تشکر، نشریات زیر را دریافت کردیم:

● آزادی، وابسته به جبهه دمکراتیک ملی ایران، دوره دوم شماره ۱۷ و ۱۸: بهار و تابستان ۱۳۷۸.

● اتحاد کار، ارگان سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، سال ششم؛ شماره های ۶۵، ۶۶، ۶۷ شهریور، مهر و آبان ۱۳۷۸.

● توفان، ارگان سیاسی مشترک جبهت تدارک کنگره موسس حزب واحد طبقه کارگر ایران، سال پنجم؛ شماره های ۵۹، ۶۰: مهر و آبان ۱۳۷۸.

● نبرد خلق، ارگان سازمان چریک های فدایی خلق ایران، دوره چهاردهم، سال

شانزدهم، شماره های ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴: مهر، آبان و آذر ۱۳۷۸.

● نقطه، نشریه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی: شماره ۹، سال چهارم، تابستان ۱۳۷۸.

نشریات هلندی:

● DWARS in aktie; Groenlinkse jongeren, nr. 29; oktober 1999.

بقیه " تقویم تاریخ " از صفحه ۳۶

- ۳۰ آذر:

شب یلدا - طولانی ترین شب سال

- ۲۹ سپتامبر ۱۹۷۰:

درگذشت جمال عبدالناصر رئیس جمهور ناسیونالیست مصر.

اکتبر:

- ۱۵ اکتبر:

روز جهانی علم

- ۱۰ اکتبر ۱۹۸۰:

تاسیس جبهه فارابوندا مارتی در السالوادور.

- ۱۱ اکتبر ۱۹۴۹:

اعلام موجودیت جمهوری خلق چین.

- اکتبر ۱۹۱۷:

پیروزی انقلاب کبیر شوروی

- ۹ اکتبر ۱۹۶۷:

شهادت ارنستو چه گوارا انقلابی بزرگ آمریکای لاتین.

- ۲۷ اکتبر ۱۴۹۲:

ورود کریستف کلمب به قاره آمریکا

- ۱۷ اکتبر:

روز جهانی مبارزه با فقر

- ۲۶ اکتبر ۱۹۸۳:

گرانادا در جزایر کارائیب به اشغال

نظامی آمریکا در آمد.

- ۳۱ اکتبر ۱۹۸۴:

ترور بانو ایندیرا گاندی نخست وزیر هند.

نوامبر:

- ۱ نوامبر ۱۹۵۴:

قیام مسلحانه مردم الجزایر علیه اشغالگران فرانسوی.

- ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸:

پایان جنگ جهانی اول.

دسامبر:

- ۱ دسامبر ۱۹۴۸:

تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر

فرم اشتراک بهار ایران

Naam:

این جانب

Adres:

مایل به اشتراک بهار ایران از شماره هستم.

.....

تعداد از هر شماره

.....

www.iran-archive.com

BAHARE IRAN

Nr: 18 Herfst 1999



رسانه‌ها: این دانشجویان ده سال زندان محکوم گردید.

**اعدام و زندانی کردن دانشجویان آزادی خواه را
محکوم می‌کنیم.**

Genootschap van Iraanse Vluchtelingen- Nederland

G.I.V.N.

P.B. 32406

2503 AC Den Haag

Nederland

آدرس پست ایران :